

Cross ratio

نسبت توافقی



Crunode

نقطه دوگانه - نقطه مضاعف - نقطه تقاطع یک منحنی با خودش

Cryptarithmic

حساب ابجد - حساب رمز

Cubable

مکعب پذیر - مکعب پذیر

Cubage

تبدیل به مکعب - تخمین به مکعب

Cube

مکعب کردن - به توان سه رساندن - مکعب - توان سوم

Cube of a number

مکعب یک عدد

Cube of a quantity

مکعب یک مقدار - مکعب یک کمیت

Cube root

ریشه سوم - مکعب

Cubic

مکعبی - مکعب شکل - درجه سوم

Cubic centimeter

سانتیمتر مکعب

Cubic curve

منحنی درجه سه

Cubic equation

معادله درجه سه

Cubic polynomial

چند جمله ای درجه سه

Cuboid

مکعب مستطیل

Culminate

به اوج رسیدن

Cumulate

انباشتن - توده کردن - جمع کردن

Cumulative

جمع شونده

Cup

علامتی برای اتحاد مجموعه ها - نا و - u

Curiosity

کنجکاوی

Curl

کول - روتاسیون - چرخش

اگر $\vec{F} = F_x \vec{i} + F_y \vec{j} + F_z \vec{k}$ باشد چرخش \vec{F} عمیبا رتست از:

$$\text{Curl } \vec{F} = \begin{vmatrix} \vec{i} & \vec{j} & \vec{k} \\ \frac{\partial}{\partial x} & \frac{\partial}{\partial y} & \frac{\partial}{\partial z} \\ F_x & F_y & F_z \end{vmatrix}$$

Curly-bracket

آکولاد

Curvate

خمیده - منحنی شکل

Curvature

انحناء - خمیدگی

Curvature Form

صورت انحناء

Curvature of a curve

انحنای یک منحنی

Curvature of a surface

انحنای یک سطح

Curvature vector

برداری انحناء

Curved

خمیده - منحنی شکل

Curved surface

سطح خمیده

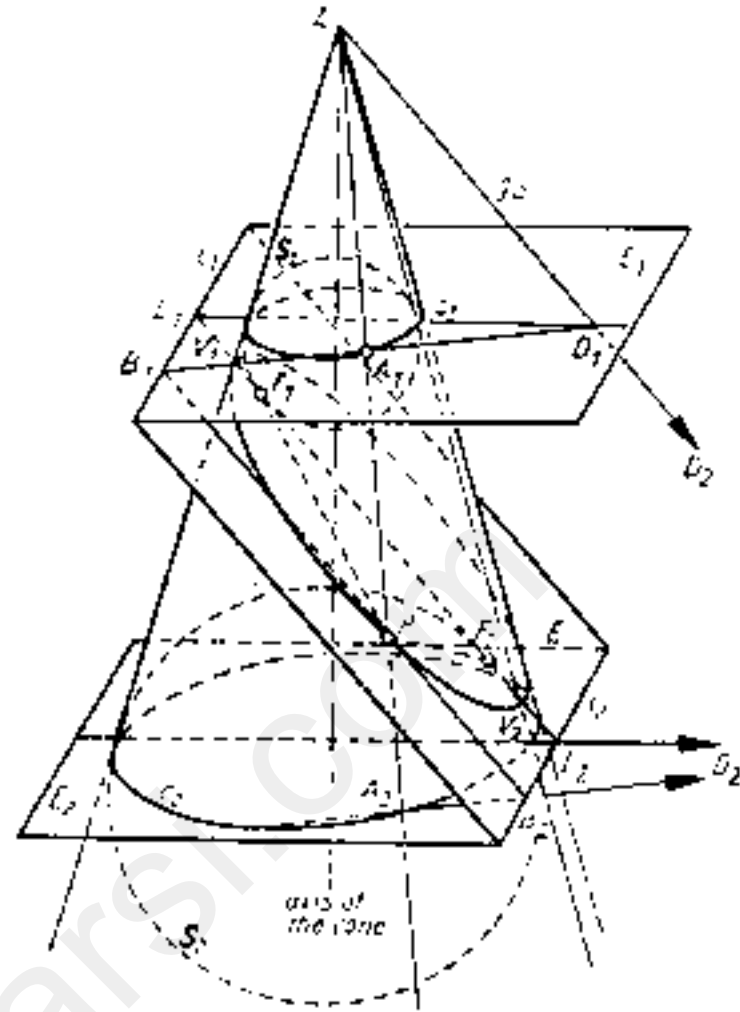
Curvilinear

منحنی الخط

D

Dandelin spheres

کره‌های دندلین (برای
ایجاد مقاطع مخروطی)



Darboux's theorem

قضیه داربوت

Dash

خط تیره

Data (datum جمع)

معلومات مسئله - داده‌ها

Datum

داده

Deal

مقدار - اندازه - قدر - معامله کردن - کلنجار رفتن

Debatable

قابل بحث - قابل مناظره

Debit

بدهی - در ستون بدهی ثبت کردن - بدهکار کردن

Debit a sum to a person

مبلغی را بحساب

Debt

بدهی - قرض - وام

Debtor

مقروض - بدهکار - ستون بدهکار

Deca

پیشوند یونانی بمعنی ده - ده تایی - ده برابر

Decade

دوره ده ساله - دهه

Decadent

منحط - روبه انحطاط - زایل شونده

Decagon

ده ضلعی

Decagonal

ده ضلعی گون

Decahedral

ده وجهی

Decahedron

ده وجهی

D چهارمین حرف الفبای انگلیسی

D عدد ۵۰۰ در روم باستان

D عدد پانصد هزار در روم باستان

D'Alembert's test for convergence

(or divergence) of infinite - series

آزمون دالامبر برای همگرایی (یا واگرایی)

سلسله‌های نامتناهی

Damped میرا

Damped motion حرکت میرا

Damped vibrations نوسانات میرا

Damping میرایی - میرا

Damping factor عامل میراننده - ضریب میرایی

Damping force نیروی میراننده

Decameter	دکا متر - معادل ۱۰ متر
Decastere	ده مترمکعب
Decelerate	کاستن - کند کردن
Decelerated	مبطئه - کندشونده
Deceleration	کندشوندگی - شتاب منفی
Deci	پیشوندی یونانی بمعنی یکدهم
Decide	تصمیم گرفتن
Decided	قطعی - مصمم
Decigram	دسی گرم - یکدهم گرم
Decile	دهک (در آمار)
Deciliter	دسی لیتر - یکدهم لیتر
Decillion	دسیلیون - در انگلیس 10^{12} و در آمریکا 10^{24}
Decimal	دهدهی - اعشاری
Decimal approximations	تقریبات اعشاری
Decimal equivalent of a fraction	معادل اعشاری یک کسر متعارفی
Decimal expansion	بسط اعشاری
Decimal fraction	کسرا اعشاری
Decimalize	اعشاری کردن
Decimal logarithm	لگاریتم دهدهی - لگاریتم اعشاری
Decimal numbers	اعداد اعشاری
Decimal place	مرتبه اعشاری
Decimal point	ممیز
Decimal representation	نمایش اعشاری
Decimal system	دستگاه دهدهی
Decimeter	دسیمتر - یکدهم متر
Decipher	کشف رمز نمودن
Decision	تصمیم
Decision making	تصمیم گیری
Decision theory	نظریه تصمیم گیری
Deck	یک دست ورق
Declination	تغایل - مایل - شیب - انحراف
Decline	کاهش - نزول - نقصان - سرازیر شدن شیب پیدا کردن - شیب دادن
Declivity	سرازیری - شیب
Decode	کشف رمز کردن - از حالت رمز خارج کردن

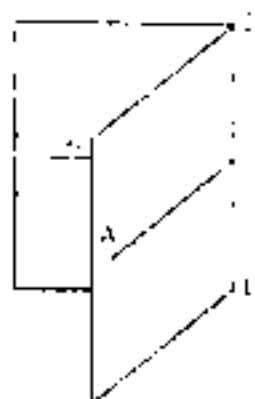
Decomposable	تجزیه پذیر - قابل تجزیه
Decompose	تجزیه شدن - تجزیه کردن
Decomposition	تجزیه - تلاشی
Decomposition of a fraction	تجزیه کسر
Decrease	کاهش دادن - نزول کردن - کاهش - نزول
Decreasing	نزولی - کاهش
Decreasing function	تابع نزولی
Decreasing function of one variable	تابع یک متغیره نزولی
Decreasingly	بطور نزولی
Decreasing mapping	نگاشت نزولی
Decreasing sequence	دنباله نزولی
Decrement	کاهش - نقصان - تنزل
Decuple	ده برابر - ده برابر کردن
Dedekind cut	برش ددکیند
Deduce	استنتاج کردن
Deduction par analogie	استنتاج تمثیلی
Deduct	کسر کردن - کم کردن - استنتاج کردن
Deduction	استنتاج - قیاس - کسر - کاهش
Deductive	استنتاجی - قیاسی
Deductive argument	استدلال قیاسی
Deductive reasoning	استدلال قیاسی
Deductive system	دستگاه استنتاجی - دستگاه قیاسی
Deep	عمیق - زرف
Defect	عیب - نقص - معیوب ساختن
Defective	معیوب - ناقص - ناتمام
Defective equation	معادله ناقص
Defective number	عدد ناقص - عددی که مساوی مجموع مقسوم علیه های خود نباشد.
Deficient	ناقص
Deficit	کسر درآمد - کسر بودجه
Define	تعریف کردن
Defined	تعریف شده - معین
Definite	معین - مشخص - معلوم - قطعی
Definite description	توصیف رسا - توصیف مشخص
Definite integral	انTEGRال معین
Definiteness	تصریح - صراحت - تعیین
Definite on an interval	معین روی یک فاصله

Definition	تعریف	Delimitate	محدود کردن - تعیین حدود کردن
Definition by abstraction	تعریف بوسیله تجرید	Delineate	ترسیم نمودن - نمایش دادن (با خطوط)
Definition by induction	تعریف بوسیله استقرا		توصیف کردن - مشخص کردن
Definition by recurrence	تعریف برگشتی - تعریف تراجعی	Delineation	طرح - توصیف - تصویر - نمایش
Definition of a function	تعریف یک تابع	Delineator	طراح - توصیف کننده - کیلومتر شمار ملاحی
Deflect	کج شدن - منحرف شدن - منحرف کردن	Delta Δ یا δ	- حرف چهارم زبان یونانی - حرف Δ یا δ
Deflection	انحراف - انحناء	Deltahedron	دوازده وجهی
Deflective	انحرافی	Deltoid	دلتا مانند - سه گوش
Deflector	منحرف کننده	Deltoideus	دلتا مانند - سه گوش
Deflexed	منحرف شده	Demand	تقاضا - درخواست - مطالبه - تقاضا کردن - مطالبه کردن -
Deform	تغییر شکل دادن - بد شکل شدن	Demarcate	محدود کردن
Deformation	تغییر شکل بحالت بدتر	Demi	پیشوندی بمعنای "نیم" و "نصف"
Degenerate	منحط شدن - روبه زوال گذاشتن - منحط	Demography	مردم نگاری
Degenerate closed interval	فاصله بسته روال یافته	Demoivre's formula	دستور دموآور
Degenerate conic	مقطع مخروطی منحط		$[r(\cos\theta + i\sin\theta)]^n = r^n(\cos n\theta + i\sin n\theta)$
Degenerated	زوال یافته - منحط	Demoivre's theorem	قضیه دموآور
Degree	رتبه - مرتبه - درجه	Demolition	انهدام - تخریب
Degree of a curve	درجه یک منحنی	Demonstration	اثبات - نمایش
Degree of a differential equation	مرتبه یک معادله دیفرانسیل	De Morgan's formulas	دستورات دمورگان
Degree of an equation	درجه یک معادله	De Morgan's laws	قوانین دمورگان
Degree of a polynomial	درجه یک چند جمله ای	De Morgan's rules	قواعد دمورگان
Degree of contact	درجه تماس	De Morgan's theorems	قضایای دمورگان
Degree of freedom	درجه آزادی	Denial	خلف - رد
Degree of generalization	درجه تعمیم	Denial of the antecedent	رد مقدم (در منطق)
Degree of the system	درجه دستگاه	Denominator	مخرج کسر
Degression	نزول	Denote	نشان دادن - نمایش دادن - علامت گذاری
Degressive	نزولی	Dense	چگال
Deka	ده	Dense subset	زیر مجموعه چگال
Del	دل - عامل ∇	Density	چگالی
$\nabla = i \frac{\partial}{\partial x} + j \frac{\partial}{\partial y} + k \frac{\partial}{\partial z}$		Density function	تابع چگالی
Delay	تاخیر - درنگ - به تاخیر انداختن - درنگ کردن	Density property	خاصیت چگالی
Delete	حذف کردن	Denticulate	دنداندار - کنگره دار - مژگی
Deleted	حذف شده - محذوف	Denumerable	قابل شمارش - شمارا - شمارش پذیر
Deleted neighbourhood	همسایگی محذوف	Denumerable set	مجموعه شمارا - مجموعه شمارش پذیر - مجموعه قابل شمارش
Deletion	حذف	Department	حوزه - بخش
Delimit	محدود کردن - تعیین حدود		

Depend	وابسته بودن - بستگی داشتن - مربوط بودن	Described	توصیف شده - موصوف - وصف شده
Dependence	بستگی - ارتباط	Description	توصیف - وصف
Dependency	بستگی - ارتباط	Description of a set	توصیف یک مجموعه
Dependent	وابسته - مربوط	Descriptive	توصیفی - ترسیمی
Dependent differentiation	مشتق گیری وابسته	Descriptive geometry	هندسه ترسیمی
Dependent equations	معادلات وابسته	Design	طرح - رسم - طرح کردن - رسم کردن
Dependent functions	نواع وابسته	Designate	مشخص کردن - تخصیص دادن - نشان دادن - نمایش دادن
Dependent on	مربوط به - وابسته به	Designer	طراح
Dependent variable	متغیر وابسته	Designing	طرح ریزی
Depict	نقش کردن - رسم کردن	Desire	نمایل - تمایل داشتن
Depreciable	کم بها شدنی - مستهلک شدنی	Detachable part	قطعه قابل انفصال
Depreciate	کم بها کردن - مستهلک کردن	Detached	منفصل - جدا
Depreciation	کاهش بها - استهلاک	Detail drawing	رسم تفصیلی (در ماشین آلات)
Depressed	تنزل یافته	Detailed	مفصل
Depressed equation	معادله تنزل یافته	Details	جزئیات - تفصیل
Depression	تنزل - رکورد (اقتصادی)	Determinant	دترمینان
Depth	عمق - ژرفا	Determinant of a matrix	دترمینان یک ماتریس
Derange	به هم زدن ترتیب - برهم زدن	Determinant of a system of linear equations	دترمینان یک دستگاه معادلات خطی
Derangement	درهم ریختگی - بی ترتیبی	Determinant of a linear transformation	دترمینان یک تبدیل خطی
Derivable	قابل اشتقاق	Determinate	معین - مشخص - تعیین حدود کردن
Derivation	مشتق گیری - اشتقاق	Determine	مشخص کردن - معین کردن - تعیین کردن
Derivative	مشتق	Deterministic	معین - قطعی
Derivative of a complex function	مشتق یک تابع مختلط	Deterministic system	دستگاه معین
Derivative of a real function	مشتق یک تابع حقیقی	Detract	کم کردن - کاستن
Derivative of a vector valued function	مشتق یک تابع برداری	Detraction	کاهش
Derivative set	مجموعه مشتق	Detractive	کاهشی
Derive	بدست آوردن استخراج کردن	Develop	توسعه دادن - گستردن - بسط دادن
Derived	مشتق شده - بدست آمده - استخراج شده	Developable	گسترش پذیر - قابل بسط - قابل توسعه
Descartes' rule of signs	قانون علامت دکارت	Developable surface	سطح گسترش پذیر
Descend	نزول کردن - کاهش یافتن	Development	بسط - توسعه - گسترش
Descendable	قابل نزول - قابل کاهش	Deviable	انحراف پذیر - قابل انحراف
Descending	نزولی - کاهشی	Deviate	منحرف شدن - انحراف ورزیدن
Descending order	ترتیب نزولی - ترتیب کاهشی	Deviation	انحراف
Descent	نزول - سقوط - هیوط	Deviation angle	زاویه انحراف
Describe	توصیف کردن	Device	وسیله - اسباب - دستگاه

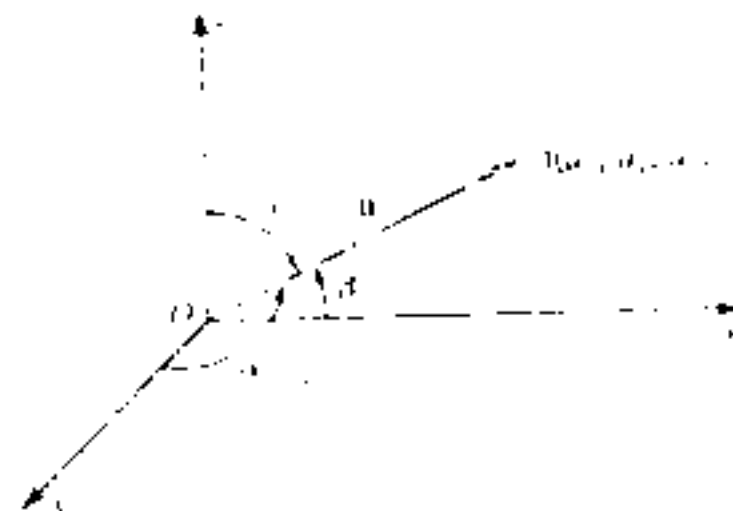
Devisor	بخشیاب - مقسوم علیه	Difference of sets	تفاضل مجموعه ها
Devote	تخصیص دادن - وقف کردن	Difference of zero	تفاضل صفر
Diagonal	قطر - قطری - مورب	Difference operator	عامل تفاضل
Diagonal matrix	ماتریس قطری	Difference property	خاصیت تفاضل
Diagonal of a polygon	قطریک چندضلعی	Difference quotient	خارج قسمت تفاضلی
Diagonal of a polyhedron	قطریک چندوجهی	Different	مختلف - متفاوت
Diagonalizable	قطری پذیر - قطری شدنی	Differentiable	مشتق پذیر - دیفرانسیبل پذیر
Diagonalizable linear transformation	تبدیل خطی قطری شدنی	Differentiable function	تابع دیفرانسیبل پذیر
Diagonalizable matrix	ماتریس قطری شدنی	Differential	دیفرانسیل - فاصله
Diagonalization	قطری کردن - قطری ساختن	Differential calculus	حساب دیفرانسیل - حساب فاصله
Diagonalize	قطری کردن	Differential coefficient	ضریب دیفرانسیل
Diagram	نمودار - دیاگرام	Differential element	عنصر دیفرانسیل - عنصر بینهایت کوچک
Diagrammatic	نموداری - نمایی	Differential equation	معادله دیفرانسیل
Diagrammatically	بطور نموداری - بطور نمایی	Differential Form	صورت دیفرانسیل - فرم دیفرانسیل
Dial	صفحه مدرج - صفحه ساعت - شماره گرفتن	Differential geometry	هندسه دیفرانسیل
Diameter	قطر	Differential invariants	پایا های دیفرانسیل
Diametral	واقع در طول قطر - وابسته به قطر	Differential (the total differential) of a function of several variables	دیفرانسیل (کامل) یک تابع چندمتغیره
Diametrical	متقاطع - قطری	Differential operator	عامل دیفرانسیل
Diametrically	در جهت قطر - در طول قطر	Differential quotient	خارج قسمت دیفرانسیلی
Diametrically opposite	قطرا "متقابل" - کاملاً - شدیداً	Differentiate	دیفرانسیل گرفتن - مشتق گرفتن
Diamond	الماس - لوزی	Differentiation	دیفرانسیل گیری - مشتق گیری
Dice	تاس	Differentiation of an integral	دیفرانسیل گیری از یک انتگرال
Dichotomy	انشعاب به دو شعبه - تقسیم به دو بخش - طبقه بندی به دو دسته	Differentiation of a sequence	دیفرانسیل گیری از یک دنباله
Dictionary order topology	توپولوژی ترتیب قاموسی	Differentiation operator	عامل دیفرانسیل گیری
Dido's problem	مسئله دیدو - مسئله یافتن یک منحنی بسته با محیط ثابت و حداکثر مساحت ممکن که جواب این مسئله یک دایره می باشد.	Different numbers	اعداد متفاوت
Die	تاسها (جمع Dice)	Diffract	پراشیدن - به اجزاء تقسیم شدن
Differ	اختلاف داشتن	Diffraction	دیفراکسیون - پراش - انکسار
Difference	اختلاف - تفاضل - تفاوت	Diffuse	افشاندن - منتشر کردن - پخش کردن
Divided differences	تفاضل های تقسیم شده (در آنالیز عددی)	Diffusion	پخش - انتشار - دیفیوژن
Difference module	مدول تفاضل	Diffusion process	مرحله انتشار - فرآیند پراش
Difference of ordinals	تفاضل اعداد ترتیبی	Digest	ضم کردن - خلاصه کردن - خلاصه اطلاعات
Difference of relations	تفاضل روابط	Digit	رقم
		Digital	رقمی

Digital computer	رایانه، رسمی - شمارگر رسمی - حاسنر رسمی
Dihedral	دووجهی - فرجه
Dihedral angle	زاویه، مسطحه، فرجه



Dihedral group	گروه دووجهی
Dihedron	فرجه - زاویه، دووجهی
Dilatation (اشکال هندسی)	ایساط - گسترش
Dilute	رقیق کردن - رقیق
Dilution	ترقیق
Dilution problem	مسئله، ترقیق
Dimension	بعد - اندازه
Dimensional	ابعادی - اندازه‌ای
Dimensional analysis	تحلیل ابعادی - تحلیل کمیت‌های فیزیکی بر حسب ابعاد اصلی
Dimensionality	بعدیت - کیفیت داشتن بعد
Dimensionless	بی بعد - فاقد بعد
Dimensionless number	عددی بی بعد - عدد مطلق
Dimensions of a rectangular figure	ابعاد یک شکل راست گوشه
Dimension theory	نظریه، ابعاد
Diminish	کم کردن - کاستن - کم جلوه دادن
Diminution	کاهش - تقلیل
Dini's theorem on Fourier series	قضیه، دینی در مورد سلسله‌های فوریه
Dini's theorem on uniform convergence	قضیه دینی در مورد همگرایی یکنواخت
Dini test	آزمون دینی
Diophantine	دیوفانتی - دیوفانتوسی
Diophantine analysis	آنالیز دیوفانتوسی - تحلیل دیوفانتوسی
Diophantine approximations	تقریبات دیوفانتوسی

Diophantine equations	معادلات دیوفانتوسی - معادلات چندجمله‌ای با مجهولات صحیح
Dipole	دوقطبی - دیپل
Direct	درست - مستقیم - سراسر است - راسته - هدایت کردن - جهت دادن
Direct image	تصویر مستقیم
Direct product	حاصلضرب مستقیم - حاصلضرب دکارتی
Direct product of two sets	حاصلضرب مستقیم (دکارتی) دو مجموعه
Direct product of two vectors	حاصلضرب مستقیم دو بردار - حاصلضرب اسکالر دو بردار
Direct proportion	نسبت مستقیم
Direct sense	جهت مستقیم - جهت مخالف حرکت عقربه‌های ساعت - جهت مثلثاتی
Direct sum	حاصل جمع مستقیم
Direct trigonometric functions	تابع مثلثاتی مستقیم
Direct variation	وردش مستقیم
Directed	جهت دار
Directed angle	زاویه، جهت دار
Directed distance	فاصله، جهت دار
$\overline{AB} = b - a$	
Directed line	خط جهت دار
Directed line segment	پاره خط جهت دار
Directedness	جهت دار بودن
Direction	جهت - سو - امتداد - راستا
Direction angle	زاویه، امتداد

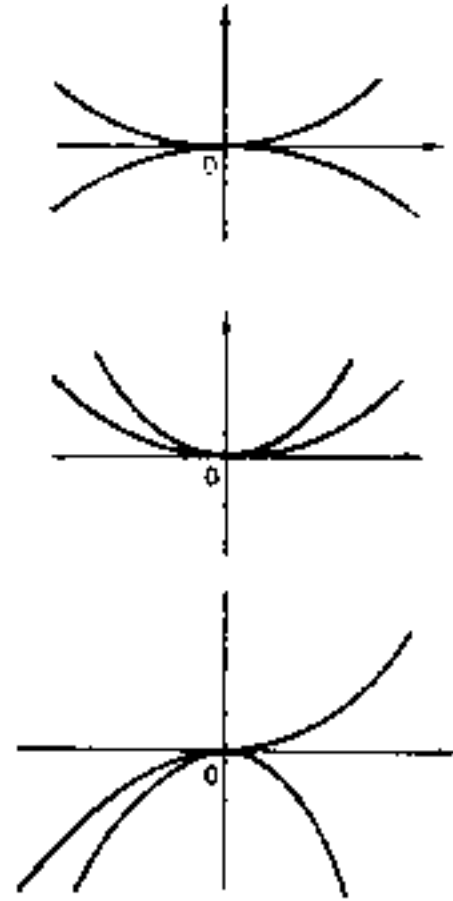


Direction cosines	کسینوسهای هادی
Direction components of the normal to a surface	مؤلفه‌های راستای خط قائم بر یک سطح

Discrete	گسسته - جدا - مجزا - جدا کردن - مجزا کردن	Disjointed	از هم جدا شده
Discrete deterministic process	فرایند قطعی گسسته	Disjunction	ترکیب فعلی
Discrete distance	فاصله - مجزا - فاصله - گسسته	Disjunctive	فعلی
Discrete distribution	توزیع جدا - توزیع مجزا - توزیع گسسته	Disjunctive composition	ترکیب فعلی
Discrete metric space	فضای متریک مجزا - فضای متریک گسسته	Disjunctive normal form	صورت متعارف فعلی
Discrete moments	لحظات مجزا - لحظه‌های گسسته	Disk	قرص - گرده
Discrete probability function	تابع احتمالی مجزا - تابع احتمالی گسسته	Disk of convergence	قرص همگرایی
Discrete random variable	متغیر تصادفی مجزا - متغیر تصادفی گسسته	Dislocation	جابجایی
Discrete set	مجموعه - مجزا - مجموعه - گسسته	Dismember	جدا کردن - تجزیه کردن - بریدن اندام
Discrete space	فضای گسسته	Dispersion	پراکنندگی - انتشار - تجزیه - نور
Discrete topology	توپولوژی گسسته	Displacement	تغییر مکان
Discrete variable	متغیر جدا - متغیر منفصل - متغیر گسسته	Displacement vector	برداری تغییر مکان
Discriminant	مبین	Display	نمایش دادن - آشکار کردن
Discriminant of a polynomial equation	مبین یک معادله چند جمله‌ای	Disproof	رد - ابطال
Discriminant of a quadratic equation	مبین معادله درجه دوم $ax^2+bx+c=0$ عبارتست از: $\Delta=b^2-4ac$	Disproportion	بی تناسبی - بی تناسب کردن
Discuss	بحث کردن - مطرح کردن	Disproportionate	بی تناسب - بی تناسب کردن
Discussion	بحث - مذاکره	Disproportionately	نامتناسباً
Disequilibrium	عدم تعادل	Disproportionateness	بی تناسبی
Dished	مقعر - گود	Dissimilar	نامتشابه
Disjoin	جدا کردن - جدا شدن	Dissipation	پراکنندگی - اتلاف
Disjoined	جدا شده - مجزا	Dissipation of energy	اتلاف انرژی
Disjoint	از هم جدا	Dissociate	تفکیک کردن - جدا کردن
Disjoint cycles	حلقه‌های از هم جدا - حلقه‌های (a_1, a_2, \dots, a_n) و (b_1, b_2, \dots, b_n) را از هم جدا گویند و قتیکه $\forall i, j, a_i \neq b_j$	Dissociation	تفکیک
Disjoint sets	مجموعه‌های از هم جدا - مجموعه‌های A و B از هم جدا هستند در صورتیکه $A \cap B = \emptyset$	Dissymmetric	نامتقارن
		Dissymmetry	نامتقارنی - عدم تقارن
		Distance	فاصله - مسافت - دوری
		Distance function	تابع فاصله
		Distance relations	روابط متری - روابط طولی
		Distance set	مجموعه فاصله
		Distant	فاصله دار - دور
		Distinct	متمايز - مجزا
		Distinct roots	ریشه‌های متمایز
		Distinction	تشخیص - فرق - امتیاز
		Distinguish	تمیز دادن - بازشناختن - فرق گذاشتن
		Distinguished	ممتاز - مشخص
		Distort	از شکل انداختن - تغییر شکل دادن - مسخ
		Distortion	تغییر شکل - تحریف

Distributable	بخش پذیر - قابل بخش - قابل توزیع	Diverse	گوناگون - مختلف
Distribute	توزیع کردن - بخش کردن	Diverse ingredient	اجزاء مختلف
Distribution	بخش - توزیع	Divisibility	قابلیت تقسیم - بخش پذیری
Distribution curve	منحنی توزیع (درآمار و احتمالات)	Divisible	بخش پذیر - قابل قسمت
Distribution function	تابع توزیع	Division	قسمت - تقسیم - بخش
Distribution of primes	توزیع اعداد اول	Division algebra	جبر تقسیم
Distributional	بخشی - توزیعی	Divisional	تقسیمی
Distributive	توزیعی - بخشی	Division ring	حلقه تقسیم
Distributive law	قانون توزیعی - قانون بخش پذیری	Divisor	مقسوم علیه
Distributive properties of set operations	خواص توزیعی اعمال مجموعه‌ای	Divisor of zero	عابدکننده صفر - تقسیم کننده صفر - مقسوم علیه صفر
Distributive property	خاصیت توزیعی - خاصیت بخش پذیری	Divisor value	مقدار مقسوم علیه
Distributivity	توزیع پذیری	Dodeca	دوازده
Disturbance	اختلال	Dodecagon	دوازده ضلعی - دوازده گوشه
Divalent	دو ظرفیتی	Dodecahedral	مربوط به دوازده وجهی
Diverge	واگرای بودن - متباعد شدن	Dodecahedron	دوازده وجهی
Divergence	واگرایی - تباعد - دیورژانس	Dogmatic	جرمی - کوتاه فکر - منصب - فاطح
Divergence of a vector field	دیورژانس یک میدان برداری - اگر:	Domain	دامنه - قلمرو - حیطة
	$\vec{a} = u(x, y, z)\vec{i} + v(x, y, z)\vec{j} + w(x, y, z)\vec{k}$	Domain of a mapping	دامنه، یک نگاشت
	$\text{div } \vec{a} = \frac{\partial u}{\partial x} + \frac{\partial v}{\partial y} + \frac{\partial w}{\partial z}$	Domain of definition	دامنه، تعریف
	آنگاه:	Domain of a function	دامنه، یک تابع
Divergence theorem	قضیه دیورژانس	Domain of Gaussian integers	دامنه اعداد صحیح گوسی - مجموعه تمام اعداد مختلط که مولفه‌های آنها صحیح هستند.
Divergent	متباعد - واگرا	Domain of quantification	دامنه، سورگیری
Divergent product	حاصلضرب واگرا - حاصلضرب متباعد	Domain of a relation	دامنه، یک رابطه
Divergent sequence	دنباله، واگرا - رشته متباعد	Domain of a variable	دامنه، یک متغیر
Divergent series	سلسله متباعد	Domain set	مجموعه، قلمرو
Diverging to zero	واگرایی صفر	Dominant	مسلط - غالب - مشرف مستولی
Diverging	واگرا	Dominant vector	بردار غالب - بردار مسلط
Dividable	قابل تقسیم	Dominated	مستولی - غالب
Divide	بخش کردن - عابد کردن - تقسیم کردن	Dominated convergence	همگرایی مستولی
Divided	منقسم - تقسیم شده - مقسوم	Dot	نقطه گذاردن - نقطه - خال
Dividend	سود سهام	Dot product	حاصلضرب داخلی - حاصلضرب نقطه‌ای
Divider	تقسیم کننده - بخش کننده	Dotted	نقطه چسب
		Double	دو بل - دوبرابر کردن - مفاع - دوگانه - دوبرابر
		Double concave	دو کاو - معبرالطرفین

Double connectivity	ارتباط مضاعف - همبندی مضاعف
Double convex	دوگوز - محدب الطرفین
Double coset	همدسته مضاعف - همدسته دوطرفه
Double cusp	نقطه با زکشت مضاعف



Double integral	انتگرال دوگانه
Double limit	حد مضاعف
Double periodicity	تناوب مضاعف
Double pyramid	هرم مضاعف
Double precision	دقت مضاعف
Double prime	علامت ثانیه - علامت اینج - علامت (")
Double product	حاصلضرب مضاعف
Double restriction	تحدید مضاعف
Double root	ریشه مضاعف
Double sequence	دنباله مضاعف - رشته مضاعف
Double series	سلسله مضاعف
Double sum	حاصلجمع مضاعف
Double-valued function	تابع دومقداری
Doublet	جفتی - زوج
Doubly	مضاعف - بطوردوگانه
Doubly periodic function	تابع دوتناوبی
Downward	بطرف پائین
Downward concavity	تقعر به طرف پائین
Dozen	دوچین

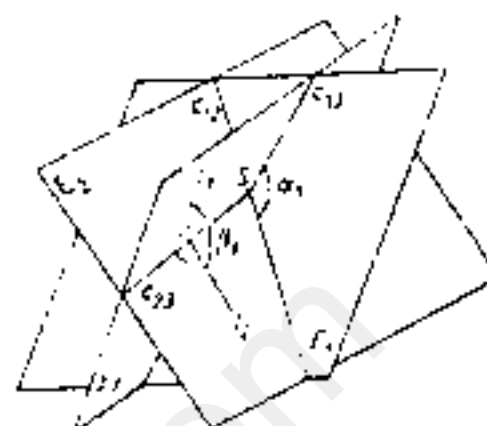
Draft	حواله - برات - ترسیم کردن - نقشه کشیدن
Drafting	نقشه کشی - ترسیم
Draftsman	طراح - نقشه کش - رسام
Draftsmanship	نقشه کشی
Dram	درم - واحد وزن معادل $\frac{1}{16}$ اونس و یا ۱/۲۲ گرم
Draw	قرعه کشی - رسم کردن - کشیدن - بیرون کشیدن
Draw a conclusion	نتیجه گرفتن
Draw out	استخراج کردن - بیرون کشیدن
Drawing	ترسیم - طراحی - طرح
Drawing board	تخته رسم
Drawing-paper	کاغذ رسم
Drawing-pin	پونز
Drop	قطره - افتادن - تنزل - کاهش یافتن - فرود آمدن
Dropped	تنزل یافته - کاهش یافته
Dual	دوگان
Dual basis	پایه دوگان
Dual space	فضای دوگان
Duality	دوگانگی - دوغانگی - ثنویت
Ductile	شکل پذیر
Due	بدهی - طلب - حق
Due to	ناشی از
Due to the continuity of function	نظریه پیوستگی تابع
Dummy	مجازی
Dummy index	اندیس مجازی - پانوش مجازی
Dummy variable	متغیر مجازی
Duo	دو - زوج
Duodecimal system	دستگاه شمار دوازده
Duodecimal numeration system	روش شماره گذاری دوازدهی
Duodecimal scale	مقیاس دوازدهی
Duplicate	المثنی - دوشخای
Duplication	نسخه برداری - تکرار
Duplication formula for gamma function	فرمول دو برابر سازی برای تابع گاما

Duplication of the cube	تضعیف مکعب - مسئله ساختن مکعبی با دو برابر حجم مکعب مفروض
Duration	استمرار - دوام
Dyad	زوج - جفت
Dyadic	شناشی - دوتاشی
Dyadic system	دستگاه دوتاشی - دستگاه شماردربینای دو
Dynamic	پویا
Dynamic optimization	بهینه سازی پویا
Dynamic programming	برنامه ریزی پویا
Dynamics	علم القوا - علم دینامیک - نیروشناسی
Dynamic system	دستگاه پویا
Dyne	دین (واحد نیرو در دستگاه C.G.S)

E

E	پنجمین حرف الفبای انگلیسی
E	اختتماری برای انرژی
$E=e$	عددی است اصم که به عدد نپر مشهور بوده و عبارت است از عدد دنباله $(1 + \frac{1}{n})^n$ وقتی که $n \rightarrow \infty$ این عدد مبنای لگاریتم طبیعی اعداد بوده، مقدار آن تقریباً "برابریا" 2.7182 میباشد.
Earth	زمین
Eccentric	خارج از مرکز - مختلف المركز
Eccentricity	خروج از مرکز (در مقاطع مخروطی)
Echelon	پله مانند
Echelon form	پلکانی شکل
Echo	منعکس شدن - انعکاس صوت - پژواک
Eclipse	کسوف و خسوف - گرفتگی
Eclipse of the moon	ماه گرفتگی - خسوف
Eclipse of the sun	خورشید گرفتگی - کسوف
Ecliptic	خسوفی و کسوفی
Econometrics	اقتصادسنجی
Economic (al)	اقتصادی
Economically	از لحاظ اقتصادی
Economics	علم اقتصاد

Economist	اقتصاددان
Economy	اقتصاد
Edge	کنار - لبه - نیش
Edge-angle	زاویه یالی - زاویه بین هر دو یال حاصل از تقاطع سه صفحه، ماز بر یک نقطه



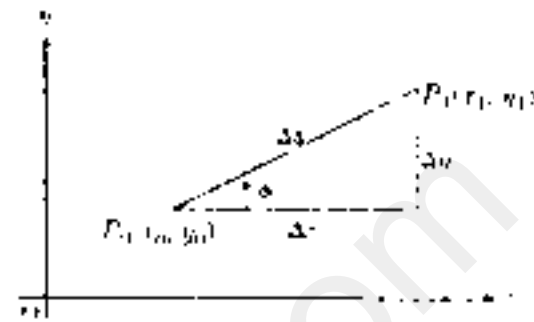
Edit	ویراستن - تنظیم کردن
Edition	ویرایش
Educe	استنتاج کردن - استخراج کردن - استنباط کردن
Effect	اثر - اثر کردن
Effective	موثر
Effective address	نشانی موثر
Effective cross section	سطح مقطع موثر
Effective force	نیروی موثر
Effective time	زمان موثر
Efficiency	کارایی
Efficient	موثر - کارآمد
E.g.	برای مثال - مثلاً - علامت اختصاری <i>exempli gratia</i> در زبان لاتین
Eigenfrequency	بسامد ویژه
Eigenfunction	تابع ویژه - تابع خاص - تابع منحصه
Eigenspace	فضای ویژه
Eigenstate	حالت ویژه
Eigenvalue	مقدار خاص - مقدار ویژه
Eigenvector	بردار خاص - بردار ویژه
Eight	هشت
Eighteen	هجده
Eighteenth	هجدهم - هجدهمین - یک هجدهم
Eighth	هشتم - هشتمین - یک هشتم
Eightieth	یک هشتادم - هشتادمین
Eighty	هشتاد

Either	هر کدام - هریک
Eject	پس زدن - بیرون راندن - دفع کردن
Ejection	اخراج - دفع
Elapsed time	مدت زمان سپری شده
Elastic	کش دار - قابل ارتجاع
Elastic force	نیروی کشان
Elasticity	کشسانی - قابلیت ارتجاع
Elastic spring	فنر قابل ارتجاع
Elect	انتخاب کردن - منحوب کردن
Electric	کهربائی - برقی
Electrical condenser	خازن الکتریکی
Electric charge	بار الکتریکی
Electric intensity	شدت میدان الکتریکی
Electricity	الکتریسیته
Electric typewriter	ماشین تحریر الکتریکی
Electromagnetic	وابسته به نیروی مغناطیسی - برق کاهربائی
Electromotive force	نیروی محرکه الکتریکی
Electronic computer	رایانه الکترونیکی - حاسبگر الکترونیکی
Electrostatic	الکتریسیته ساکن
Element	المان - عنصر - عضو - جز - بسیار کوچکی که برای انتگرال گیری بکار میرود.
Elemental	اصلی - بسط
Elementary	ابتدائی - مقدماتی - جزئی
Elementary algebra	جبر مقدماتی
Elementary analysis	آنالیز مقدماتی
Elementary diffusion equation	معادله مقدماتی بخش - معادله مقدماتی انتشار
Elementary function	تابع مقدماتی
Elementary matrix	ماتریس مقدماتی
Elementary row operations	عملیات سطری مقدماتی
Elementary symmetric functions	نوابغ متقارن مقدماتی
Elementary transformation	تبدیل مقدماتی
Elementary units	واحدهای مقدماتی
Elementary waves	امواج مقدماتی

Element of a set	عنصر یک مجموعه - هریک از عناصیر یک مجموعه
Element of arc length	عنصر طول قوس - عنصر طول قوس یک منحنی تحت $y=f(x)$ از رابطه:

$$ds = \sqrt{dx^2 + dy^2} = \sqrt{1 + |f'(x)|^2} dx$$

بدست می آید.

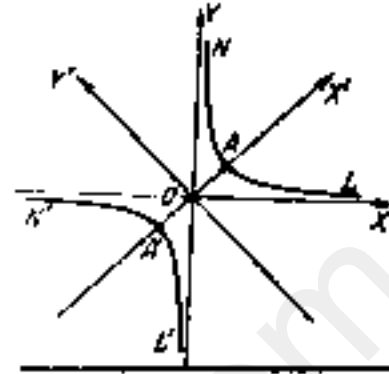


Element of integration	جزء انتگرال
Elements	میانهای - اجزاء
Elements of a matrix	اجزاء ماتریس - عناصر ماتریس - درایه های ماتریس
Elements of a triangle	اجزاء مثلث
Elements of geometry	میانهای هندسه
Elevation	ارتفاع - فراز
Elevation of a given point	فرازی یک نقطه معروض
Elide	حذف
Eliminate	حذف کردن - رفع نمودن
Elimination	حذف
Elimination method	روش حذف
Elimination of an unknown	حذف یک مجهول
Elimination process	فرآیند حذف
Ellipse	بیضی - بخم مرعی شکل
Ellipsis	حذف - انداختگی - انداختن لغات
Ellipsoid	بعضی کون - بیضی وار - بعضی
Ellipsoid of revolution	بعضی دوار
Ellipsoidal	سیه بیضی
Ellipsoidal coordinates	محطات بعضی
Elliptic	مربوط به بیضی
Elliptical cylinder	اسطوانه بیضی
Elliptic cone	محروط بعضی
Elliptic function	تابع بعضی
Elliptical geometry	هندسه بعضی -

Elliptic integral	انتگرال بیضوی	Endomorphism of rings	اندومورفیسم حلقه - درونسانی حلقه
Elliptical	مربوط به بیضی	Energy	انرژی
Elliptically	به شکل بیضی	Engineer	مهندس
Ellipticity	نسبت تعاضل دونیم قطر بیضی به قطرا طول آن	Engineering	مهندسی
Elongation	ازدیاد طول - تطویل	Enlarge	بزرگ کردن - گسترش دادن
Emanate	ناشی شدن - بیرون آمدن - سرچشمه گرفتن - جاری شدن	Ennead	یک دسته نه تایی
Embed	معاظ کردن - نشان دادن - خواباندن	Entire	کامل - تمام - تام - یکپارچه
Embedded	معاظ شده - نشانده	Entire complex plane	صفحه مختلط کامل
Eminence	بلندی - برجستگی - تعالی	Entire function	تابع تام - تابع تمام - تابع کامل
Emission	نشر - انتشار	Entirely	بطور کامل - تماما - بکلی
Emitter	انتشاردهنده	Entity	نهاد - ذات - جوهر - وجود
Empirical	تجربی - آزمایشی	Entries	اجزاء - درایه ها - عناصر
Empirical curve	منحنی تجربی	Entries of a matrix	عناصر ماتریس
Empirical formula	فرمول تجربی	Entropy	آنتروپی - کهنوت
Empty	خالی - تهی	Entry	درایه - هریک اراقلامی که درجدولی (مثلا: دریک ماتریس یا یک آرایه) یا دردفتری وارد شده.
Empty relation	رابطه تهی	Enumerable	شمارا - شمارش پذیر - قابل شمارش - شمردنی
Empty set	مجموعه تهی	Enumerate	شمردن - شماره گذاری کردن - برشمردن - یک یک نام بردن
Empty space	فضای تهی - فضای بوج	Enumeration	شمارش
Emulsion	شیرابه - تعلیق جسمی بصورت ذرات ریزویا بیدارد در محلولی	Enumerative	شمارشی
Encircle	احاطه کردن - دور کردن	Envelope	پوش - پوشش - لعاف - پیچیدن
Enclose	محصور کردن - درجوف قرار دادن - داخل برانتر گذاشتن	Envelope of a one-parameter family of curves	پوش دستهای از منحنی های یک پارامتری
Enclosed	محصور شده	Envelope of a one-parameter family of surfaces	پوش دستهای از سطوح یک پارامتری
Encompass	شامل بودن - احاطه کردن	Environment	محیط - دوروبر
End	انتهای - پایان - آخر	Environmental	محیطی
Ended	مختوم - پایان یافته	Epicyle	دایره ای که مرکزش روی محیط دایره بزرگتری باشد و در مدار آن حرکت کند.
Endless	بی انتهای - لایتناهی - بی پایان	Epicycloid	ایپسیکلوئید - برون جرخزاد - مکان هندسی نقطه ای واقع بر محیط دایره مفروض که متکی به دایره ای دیگر، در خارج آن می غلظد.
Endlessness	بی انتهای - بی پایانی	Epitrochoid	ایپی تروکوئید - مکان هندسی نقطه ای برامندادساع دایره مفروض که متکی به دایره ای دیگر، در خارج آن می غلظد.
Endlong	از درازا - از طول		
Endo	درونی		
End point	نقطه پایان		
End use	کاربرد		
Endomorphism	اندومورفیسم - درونسانی		
Endomorphism of fields	اندومورفیسم هیئت - درونسانی هیئت		
Endomorphism of groups	اندومورفیسم گروه - درونسانی گروه		

Epitrochoidal curve منحنی اپی تروکوئیدی
 Epsilon(ϵ) حرف پنجم الفباء یونانی - اپسیلون
 Epsilon-chain زنجیر اپسیلون
 Equal مساوی بودن - برابر - معادل - مساوی - مساوی
 Equality تساوی - برابری
 Equality of functions تساوی توابع
 Equality of ordered pairs تساوی زوجهای مرتب
 Equality of sets تساوی مجموعهها
 Equality of two complex numbers تساوی دو عدد مختلط
 Equality of vectors همسنگی بردارها
 Equalize برابر کردن - مساوی کردن - یکسان کردن
 Equalization تسویه - برابر سازی
 Equally متساویا - بطور مساوی - به تساوی
 Equally likely events پیشآمدهای متساوی الاحتمال
 Equal sets مجموعههای برابر
 Equal vectors بردارهای همسنگ - بردارهای مساوی
 Equate مساوی فرض کردن - مساوی کردن - برابر کردن - معادل قرار دادن
 Equation معادله
 Equational معادلهای - تعدیلی
 Equation of equinoxes معادله اعتدالین
 Equation of harmonic oscillator معادله نوسانگر همماز
 Equation of motion معادله حرکت
 Equator خط استوا - دایره اسوا
 Equatorial استوائی
 Equator of an ellipsoid of revolution دایره عظیمه بیضوی دوار
 Equi پیشوندی به معنی هم یا مساوی
 Equiangular متساوی الزاویه
 Equiangular polygon چندضلعی متساوی الزوایا
 Equiangular spiral مارپیچ هم زاویه - مارپیچ متساوی الزوایا

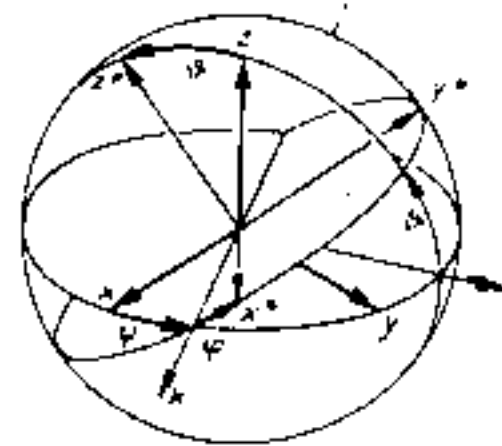
Equiangular triangle مثلث متساوی الزوایا
 Equidistant مساوی الفاصله - هم فاصله - متساوی البعد
 Equilateral متساوی الاضلاع
 Equilateral hyperbola هذلولی متساوی لسانین



Equilateral polygon چند ضلعی متساوی الاضلاع
 Equilateral spherical polygon چند ضلعی منتظم کروی
 Equilateral triangle مثلث متساوی الاضلاع
 Equilibrium تعادل - موازنه
 Equinox اعتدال شب و روز (زمانی که طول روز و شب با هم مساوی باشند)
 Equinumerous همعدد
 Equinumerous sets مجموعههای همعدد
 Equipment تجهیزات - ساز و برگ - ابزار
 Equipment compatibility هماهنگی تجهیزات
 Equipment failure خرابی تجهیزات
 Equipollent هم قوه - هم نیرو - هم ارزش - هم معنی
 Equipotency هم توانی - هم قوه ای
 Equipotent هم توان - هم قوه
 Equipotent sets مجموعههای هم توان
 Equipotential هم ظرف - هم قوت - هم پتانسیل
 Equipotential lines خطوط هم پتانسیل
 Equipotential surface سطح هم پتانسیل
 Equitable عادلانه - منصف
 Equivalence هم ارزی - هم ارزشی
 Equivalence class دسته هم ارزی - کلاس هم ارزی
 Equivalence of paths معادل بودن مسیرها
 Equivalence relation رابطه هم ارزی
 Equivalent هم ارز - هم ارزش - معادل

Equivalent equations(inequalities) معادلات (نامعادلات) هم ارز
 Equivalent figures اشکال معادل
 Equivalent fractions کسرها ی معادل
 Equivalent matrices ماتریسهای هم ارز
 Equivalent representation نمایش معادل
 Equivalent sets مجموعه های هم ارز
 Equivalent solids اجسام معادل
 Equivalently معادلاً - بطور هم ارز
 Equivocal مبهم - دارای دو معنی - دوپهلوی
 Erasable پاک شدنی
 Eraser مداد پاک کن
 Ergodic ارگودیک
 Ergodic chains زنجیرهای ارگودیک
 Ergodic source منبع ارگودیک
 Erratic اشتباه آمیز - مفلوط - ناسازگار
 Erroneous نادرست - نامعقول
 Error خطا
 Error function تابع خطا
 Error range محدوده خطا - برد خطا
 Error rate نرخ خطا - میزان خطا
 Error term جمله، نماینده، خطا - جمله خطا
 Error theorem قضیه خطا
 Escribe از خارج محاط کردن
 Escribed محاطی خارجی
 Escribed circle دایره محاطی خارجی
 Escribed circle of a triangle دایره محاطی خارجی مثلث
 Essence گوهر - هستی - وجود - اساس
 Essential اساسی - ضروری - اصلی - گوهری
 Essential isolated singularity نقطه منفرد مجزای اصلی
 Essentially ضرورتاً - اساساً - ذاتاً
 Essentially indirect proof استدلال ذاتاً غیر مستقیم
 Essential singularity (singular point) نقطه استثنائی اصلی
 Establish برقرار کردن - ثابت کردن - استدلال کردن - استوار کردن

Estimate ارزیابی کردن - برآورد - تخمین - ارزیابی
 Estimation برآورد - تخمین - تفریب
 Estimator برآوردکننده
 Etalon معیار اوزان و اندازه ها
 Eternal جاودان - جاودانی
 Etc(et cetera) و غیره - الی آخر
 Euclidean اقلیدسی
 Euclidean construction ترسیم اقلیدسی
 Euclidean algorithm دستورالعمل اقلیدسی (تقسیم نوردیانی) - روشی برای یافتن بزرگترین مقوم علیه مشترک دو عدد
 Euclidean distance فاصله اقلیدسی
 Euclidean geometry هندسه اقلیدسی
 Euclidean line خط اقلیدسی
 Euclidean metric متریک اقلیدسی
 Euclidean plane صفحه اقلیدسی
 Euclidean space فضای اقلیدسی
 Euclidean sphere کره اقلیدسی
 Euclidean vector space فضای برداری اقلیدسی
 Euclid's axioms اصول اقلیدس
 Euclid's lemma لم اقلیدس
 Euclid's line خط اقلیدسی
 Euclid's plane صفحه اقلیدسی
 Euler angles زوایای اویلر



Euler characteristic مشخصه اویلر
 Euler diagram نمودار اویلر
 Euler's equation معادله اویلر

Euler's constant	سایت اویلر - که عبارتست	Evidence	وضوح - صراحت - آشکاری
از حد دنباله :		Evident	واضح - سریع - آشکار
$C_n = 1 + \frac{1}{2} + \dots + \frac{1}{n} - \ln n$		Evoke	احضار کردن
وقتی که $n \rightarrow \infty$ و مقدار آن بطور تقریب برابر است با ۰/۵۷۷۲۲		Evolute	گسترنده
Euler's formula	فرمول اویلر	Evolute of a curve	گسترنده یک منحنی
$e^{ix} = \cos x + i \sin x$		Evolute of a surface	گسترنده یک سطح
Euler's "φ" function	" اویلر " φ تابع	Exact	دقیق - کامل - درست
Euler's integral of the first kind	انتگرال نوع اول اویلر	Exact differential	دیفرانسیل کامل
Euler's theorem for polyhedrons	قضیه اویلر در مورد چند وجهیها (قضیه ای که بیان میکند در هر چند وجهی محدب مجموع تعداد رئوس و وجوه برابر است با تعداد یالها علاوه دو)	Exact differential equation	معادله دیفرانسیل کامل
Euler's theorem on homogeneous functions	قضیه اویلر در مورد توابع همگن	Exact division	تقسیم کامل - تقسیم بدون باقیمانده
Euler-Lagrange equations	معادلات اویلر - لاگرانژ	Exact equation	معادله کامل
Euler product	حاصلضرب اویلر	Exactitude	صحت - دقت
Euler sum formula	دستور جمع زنی اویلر	Exactly	بدرستی - بدقت - عیناً
Euler-Venn diagrams	دیاگرامهای اویلر - ون	Exact sciences	علوم دقیقه
Evaluate	سعی کردن - ارزیابی کردن - محاسبه کردن	Exact solution	حل دقیق - جواب دقیق
Evaluate of a curve	ارزیابی یک منحنی	Examine	آزمایش کردن - امتحان کردن
Evaluate of a surface	ارزیابی یک سطح	Example	مثال - نمونه
Evaluation	ارزیابی - رفع ابهام	Exceed	تجاوز کردن از - متجاوز بودن از
Evaluation of a limit	رفع ابهام از یک حد	Exceedingly	متجاوزاً
Even	زوج - هموار - حتی	Excenter of a triangle	مرکز دایره محاطی خارجی مثلث
Even function	تابع زوج	Excentricity	خروج از مرکز
Even integer	عدد صحیح زوج	Except	استثنا کردن - باستثنای - غیر از - بجز - مگر
Evenness	زوجیت - خاصیت زوج بودن	Exception	استثنا
Even number	عدد زوج - عدد جفت	Exceptional	استثنائی
Even polynomial	چند جمله ای زوج	Excess	فزونی - زیادی - افزونی - بیشی - مازاد
Event	پیشامد - رویداد (در احتمالات)	Exchange	معادله - معاوضه
Everywhere dense	همه جا چگال - همه جا متراکم	Exchange sort	جور کردن معاوضه ای
Everywhere dense subset	بخش همه جا چگال - زیر مجموعه همه جا چگال	Excircle of a triangle	دایره محاطی خارجی مثلث
		Excited	برانگیخته - نهیج شده
		Exclude	خارج کردن - طرد کردن - مستثنی کردن
		Excluded	خارج شده - مطرود - منتهی شده
		Exclusion	استثنا
		Exclusive	محدود - انحصاری - بانی - تنها
		Exclusively	محصراً
		Exclusive or	یا مانعاً المجمع

Executive	اجرایی - مجری	Explanation	توضیح
Executive system	سیستم اجرایی	Explementary angles	زوایای مزدوج (زوایایی که مجموع آنها چهار قائمه میگردد)
Exercise	تمرین	Explicit	صریح - روشن - واضح - آشکار
Exert	اعمال کردن - بکار کردن - اجرا کردن	Explicit function	تابع صریح
Exhaustion property of area	خاصیت اشباع مساحت	Explicitly	صریحا
Exist	وجود داشتن - موجود بودن	Exponent	قوه - توان - نما
Existence	وجود - هستی	Exponential	قوهای - نمائی - توانی
Existence proof	اثبات وجود	Exponential behaviour	رفتار نمائی
Existence theorem	قضیه وجود	Exponential curve	منحنی نمائی
Existence - uniqueness theorem	قضیه وجود و یکتایی	Exponential equation	معادله نمایی
Existential quantifier	سور وجودی	Exponential form	شکل نمائی
Existential sentence	گزاره وجودی	Exponential form function	تابع با شکل نمایی
Expand	بسط دادن - گسترانیدن - گسترده کردن	Exponential fourier transform	تبدیل نمائی فوریه
Expandability	بسط پذیری - قابلیت انبساط	Exponential function	تابع نمائی
Expandable	بسط پذیر - قابل انبساط	Exponential series	سری نمائی
Expanded	مبسوط	Exponential values of sin x and cos x	مقادیر نمائی سینوس و کسینوس
Expanded notation	شکل مبسوط		
Expanded order	ترتیب مبسوط		
Expansion	گسترش - انبساط - بسط	$\cos x = \frac{e^{ix} + e^{-ix}}{2}$	
Expansion in a series	بسط به سری	$\sin x = \frac{e^{ix} - e^{-ix}}{2i}$	
Expansion of a determinant	بسط دترمینان		
Expect	انتظار داشتن		
Expectation	امید (ریاضی) - توقع - انتظار		
Expected	منتظره		
Expected value	امید ریاضی - مقدار منتظره - مقدار میانگین		
Expend	مصرف کردن		
Expense	هزینه - خرج		
Experience	تجربه - آزمایش - امتحان - آزمون - تجربه کردن		
Experiment	تجربه - آزمایش - تجربه کردن		
Experimental	آزمایشی - تجربی		
Experimenter	آزماینگر		
Expiration	انقضاء		
Expiration date	تاریخ انقضاء		
Expire	منقضی شدن - سیری نیدن		
Explain	شرح دادن - توضیح دادن		
		Express	نشان دادن - بیان کردن
		Expression	عبارت
		Expressive	بیانگر - بیانگر
		Exradius (ex-radius)	شعاع دایره محاطی خارجی
		Extend	گسترده کردن - وسعت دادن - تعمیم دادن - بسط دادن - امتداد دادن - عمومیت دادن
		Extended	امتداد داده شده - گسترش یافته - وسعت یافته
		Extended complex number system	دستگاه اعداد مختلط گسترش یافته
		Extended complex plane	صفحه مختلط وسعت یافته - صفحه مختلط مسطح
		Extended real line	خط حقیقی گسترش یافته

Extended real number system

دستگاه اعداد حقیقی گسترش یافته

Extension - توسیع - گسترش - بسط - امتداد -

توسعه - تعمیم - عمومیت - تمهید

Extension ring - حلقه توسیعی

Extent - دامنه - وسعت

Exterior - بیرونی - خارجی - خارج

Exterior angle - زاویه خارجی

Exterior point - نقطه خارجی

Exterior product - ضرب خارجی

Exterior product of two vectors - ضرب خارجی دو بردار

$$\vec{b} = b_x \vec{i} + b_y \vec{j} + b_z \vec{k} \quad \vec{a} = a_x \vec{i} + a_y \vec{j} + a_z \vec{k}$$

آنگاه حاصلضرب خارجی

$$\vec{a} \wedge \vec{b} = \begin{vmatrix} \vec{i} & \vec{j} & \vec{k} \\ a_x & a_y & a_z \\ b_x & b_y & b_z \end{vmatrix}$$

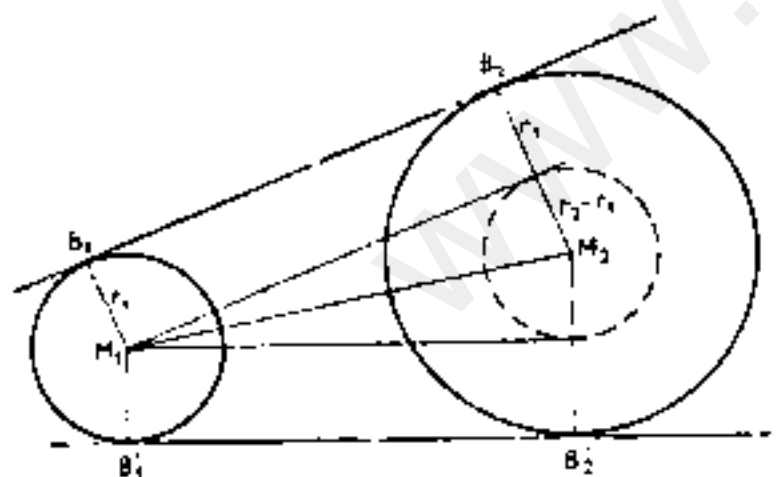
بردار \vec{a} در بردار \vec{b} عبارتست از بردار

Exterior region - ناحیه خارجی - ناحیه بیرونی

External - خارجی - بیرونی

External operation - عمل خارجی

External tangent of two circles - مماس مشترک خارجی دو دایره



Extra - اضافی

Extract - بیرون کشیدن - استخراج کردن

Extract a root - ریشه گرفتن

Extract a root of a number - استخراج یک ریشه عدد

Extracting the cubic root - کعب‌گیری - ریشه سوم گیری

Extracting the square root

جذرگیری - ریشه دوم گیری

Extraction - استخراج

Extraneous - بیگانه - نامربوط

Extraneous root - ریشه اضافی - خارجی

Extrapolate - بیرون یابی کردن

Extrapolation - بیرون یابی

Extreme - نهایی - معرط

Extremely - بغایت - بنده

Extreme point - نقطه نهایی - نقطه انتهایی

Extremes - طرفین (تناسب)

Extremes in a proportion - طرفین در تناسب

(of a proportion)

Extreme value - مقدار اکسترم - مقدار نهائی

Extremity - انتها - نهایت - حدنهایی

Extremum - اکسترم - حداقل یا حداکثر تابع -

ریاضی (ماکزیم یا مینیم)

Extremum of a function

حداکثر یا حداقل تابع

Extremum problems

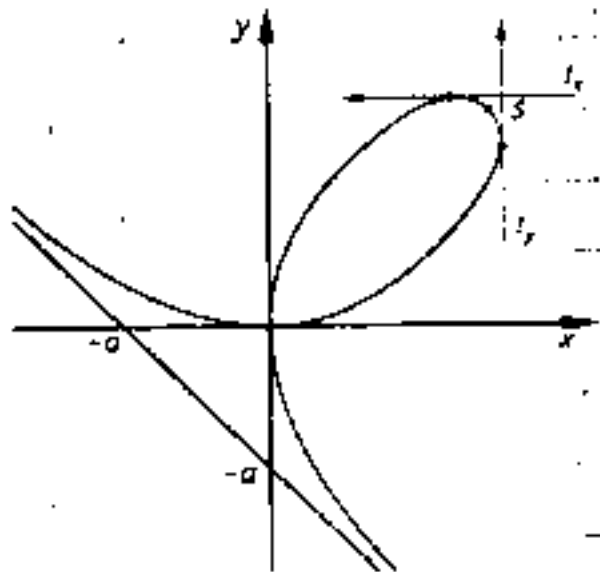
مسائل اکسترم (ماکزیم یا مینیم)

Feasible point	نقطه قابل دسترس - نقطه شدنی	Field of complex numbers	میدان اعداد مختلط - هیئت اعداد مختلط
Feasible region	ناحیه عملی - ناحیه قابل دسترس	Field of events	میدان پیشامدها
Feasibility	امکان پذیری - قابلیت دسترسی	Field of fractions	میدان کسرها - هیئت کسور
Feature	مظهر - سیما - چهره - ریخت - شکل - طرح صورت	Field of numbers	هیئت اعداد - میدان اعداد
Feed	کاربر برای (ماشین و غیره) رساندن - خوراک دادن	Field of a quotients	میدان خارج قسمتها - هیئت خارج قسمتها
Feedback	بازخور	Field of real numbers	میدان اعداد حقیقی
Feeding	تغذیه	Fifteen	پانزده
Fejer's theorem	قضیه فیجر	Fifth	پنجمین - پنجم
Fermat's last theorem	آخرین قضیه فرما - این قضیه چنین بیان میشود که معادله $x^n + y^n = z^n$ ($n > 2$) قطع نظر از جوابهای بیما یه ای که در آنها $xyz = 0$ می باشد ، در اعداد صحیح معتبر است .	Fifth postulate of Euclid	اصل پنجم اقلیدس
Fermat numbers	اعداد فرما - اعداد بصورت $2^{2^n} + 1$ که در آن n عددی است طبیعی ، این اعداد به ازای $n = 1, 2, 4, 8$ اولند ولی به ازای $n = 5$ مقدار این عدد مساوی 4294967297 است که عددیست غیر اول و بر 641 قابل قسمت است .	Fifty	پنجاه
Fermat's prime numbers	اعداد اول فرما	Figurable	شکل پذیر
Fermat's principle	اصل فرما	Figurate numbers	اعداد معمولی - اعداد چندضلعی شکل - اعدادی که در یک ترتیب چندضلعی مرتب میشوند مجازی - تلویحی
Fermat's spiral	مارپیچ فرما	Figurative	ثابت تلویحی - ثابت مجازی
Fermat's theorem	قضیه فرما معادله $z^n = x^n + y^n$ برای n های صحیح بزرگتر از 2 جواب صحیح ندارد .	Figurative constant	پیکره - شکل - عدد - رقم
Ferraris' solution of the quartic	حل معادله درجه چهارم فراری	Figure	استنباط کردن - دریافتن
Ferrite core	چمبره فریتی - چمبره مغناطیسی	Figure out	به حساب در آوردن - جمع زدن
Ferule	خط کش پهن	Figure up	برونده - فهرست - دربرونده گذاشتن - در بایگانی نگاه داشتن - ضبط کردن
Fibonacci numbers	عددهای فیبوناتچی	File	برکردن - پرشدن
Fibonacci sequence	دنباله فیبوناتچی	Fill	حافی - فیلتر
Fiducial	بر پایه اعتماد یا اعتماد	Filter	نهایی - پایانی
Field	حوزه - هیئت - میدان	Final	نتیجه - نهایی
Field axioms	اصول موضوعه میدان	Final result	ارزش نهائی
Field equations	معادلات میدان	Final value	بیدا کردن - یافتن
Field length	طول میدان	Find	یافت - یابش - تشخیص
		Finding	ظریف - خوب
		Fine	ظریفتر - لطیفتر
		Finer	محاسبه - سرانگشتی
		Finger computing	پایان رسانیدن - تمام کردن - خاتمه دادن
		Finish	مختوم - تمام - تمام شده
		Finished	محدود - منتهی - پایان دار - با پایان
		Finite	اندازه جمعی منتهی
		Finite additive measure	

Finite algebraic growth	نموجبری متناهی	Finite subcollection	زیرخانواده، متناهی - زیرکلکسیون متناهی
Finite arithmetic	حساب - متناهی	Finite subcovering	زیر پوشش متناهی
Finite base	پایه متناهی	First	اولین
Finite cardinal number	عدداصلی متناهی	First coordinate	مختص اول
Finite collection	گردانه، متناهی - کلکسیون متناهی	First derivative	مشتق مرتبه اول
Finite complement topology	توپولوژی مکملهای پایاندار	First element	عنصر ابتدا
Finite covering	پوشش متناهی	First element of a set	عنصر ابتدای یک مجموعه
Finite decimal representation	نمایش اعشاری متناهی	First kind	نوع نخست - نوع اول
Finite derivatives	مشتقات متناهی	First mode	اولین نما (در آمار)
Finite difference	تفاضل متناهی	First side of an equality	طرف اول یک تساوی
Finite difference method	روش تفاضل متناهی	First two	دو تای اول
Finite dimensional space	فضای متناهی البعد - فضای با بعد متناهی	Fission	شکافتن - انشقاق
Finite expansion	بسط پایاندار - بسط متناهی	Fit	مناسب بودن - برازیدن - برازندان
Finite field	میدان پایاندار - هیات	Fit into	گنجاندن - گنجیدن
Finite group	گروه متناهی - گروه پایاندار	Fitting	مناسب
Finite integral	انتگرال با حدود متناهی	Fix	استوار کردن - پایرجا کردن - ثابت فرار
Finite interval	فاصله، متناهی - فاصله، کراندار	Fixed	دادن - ثابت شدن - ثابت ماندن - میزان کردن
Finite limits	حدود متناهی	Fixed length	ثابت شده - ثابت - میزان
Finitely	متناهیاً	Fixed point	طول ثابت
Finitely additive	متناهیاً جمعیتی	Fixed point theorem	نقطه ثابت
Finitely additive measure	اندازه، متناهیاً جمعیتی	Fixed value	قضیه نقطه ثابت
Finite number	عدد متناهی	Fix up	مقدار ثابت
Finite number of sets	تعداد متناهی از مجموعه ها	Flat	مرتب کردن
Finite ordinal number	عدد ترتیبی متناهی	Flat angle	سطح - تخت - هموار
Finite point	نقطه، متناهی	Flatness	زاویه نیم صفحه - زاویه ۱۸۰ درجه
Finite product	حاصل ضرب متناهی	Flat spaces	تختی
Finite product of topological spaces	حاصل ضرب پایاندار فضا های توپولوژیک	Flex	فضا های مسطح - فضا های تخت
Finite quantity	کمیت متناهی	Flexible	عطف - برگشت
Finite sequence	دنباله متناهی	Flexibility	قابل انعطاف - خم شونده
Finite series	سلسله متناهی	Flexion = flection	قابلیت انعطاف - خمش
Finite set	مجموعه متناهی	Float	خمیدگی - انحنا
		Floating	شناور شدن - غوطه ور شدن - جسم شناور - معلق شدن در هوا
		Floating point	شناور - غوطه ور
		Flow	ممیز شناور
			جریان - جریان یافتن - روان شدن

Flow diagram	نمودار جریان
Flow direction	جهت جریان
Flow lines	خطوط جریان
Fluctuation	تلاطم - ترموج
Fluent	روان - سلیس
Fluent quantity	کمیت سیال - کمیت روان
Fluid	شاره - سیال
Fluid mechanics	مکانیک سیالات - مکانیک شارها
Flux	شاره - جریان - فلو
Fluxion	میزان تغییر - نرخ تغییر - (اصطلاحی) که در ریاضی به مشتق اطلاق شده است - سیالیت
Flywheel	چرخ لنگر - چرخ طیار
Focal	کانونی
Focal chord	وتر کانونی
Focal chord of a conic	وتر کانونی یک مقطع مخروطی
Focal distance	فاصله کانونی
Focalization	تمرکز در کانون
Focalize	در کانون متمرکز کردن
Focal length	فاصله کانونی (در فیزیک نور)
Focal plane	صفحه کانونی
Focal point	نقطه کانونی
Focal property of an ellipse	خاصیت کانونی بیضی
Focus	کانون - به کانون آوردن
Focused	تمرکز یافته
Fold	شا کردن
Folium of descartes	فولیوم دکارت

منحنی نمایش تغییرات تابع $x^3 + y^3 = 3axy$



Follow	دنبال کردن - تعقیب کردن - دنبال آمدن - پشت سرهم فرار گرفتن - متابعت کردن
Following	ذیل - متعاقب
Foot	قوب - پا - واحد اندازه گیری طول - تقریباً معادل ۳۰/۵ سانتیمتر یا ۱۲ اینچ
Footnote	پاورقی - زیرنویس
For all values of r	بازاء جميع مقادیر r
Forbidden	ممنوع - غیرمجاز
Force	نیرو - نیرو وارد کردن
For instance	بمیان مثال - مثلاً
Form	شکل - صورت - ریخت - فرم - تشکیل دادن - شکل دادن
Formal	صوری - شکلی
Formal expression	عبارت صوری
Formalism	صورتگرایی - اصالت شکل - فرمالیسم
Formalize	شکل دادن - فرم دادن
Formally	بطور صوری - ظاهراً
Formal logic	منطق صوری
Formal method	روش صوری
Formal prerequisite	پیش نیاز صوری
Formal statement	گزاره صوری
Formal system	دستگاه صوری
Formal variable	متغیر صوری
Format	قالب - هیئت - قالب بندی کردن
Formation	تشکیل - تشکیل - تکوین
Formative	تشکیل دهنده
Formula	فرمول - قاعده - دستور
Formulate	فرموله کردن - بشکل فرمول در آوردن - بقاعده در آوردن
Formulation	فرمول بندی
Formulize	فرمول بندی کردن
For some	به ازاء بعضی
For sufficiently large values	به ازاء مقادیر با اندازه کافی بزرگ
Fortune	دارائی - تاشی
Forward	پیش - جلو - به پیش - پیشرو
Forward equation	معادله پیشرو

Found	بنا نهادن - بنا - بنی کردن
Foundation	اساس - بنیاد - شالوده - پایه - بنیان
Founder	مؤسس - بنیانگذار - پایه گذار
Four	چهار
Four - color problem	مسئله چهار رنگ
Four face	چهار وجهی
Four fold	چهار جنبه ای - چهار برابر - چهار گانه
Fourier- coefficients	ضرایب فوریه
Fourier - cosine series	سری کسینوسی فوریه
Fourier- cosine transform	تبدیل کسینوسی فوریه
Fourier integral	انتگرال فوریه
Fourier's integral theorem	قضیه انتگرال فوریه
Fourier series	سری فوریه - سلسله فوریه
Fourier - sine series	سری سینوسی فوریه
Fourier - sine transform	تبدیل سینوسی فوریه
Fourier transform	تبدیل فوریه
Four principal operations	چهار عمل اصلی
Fourscore	هشتاد و نه
Four sided	چهار بر - چهار ضلعی
Foursquare	مربع
Four- step rule	قانون چهار مرحله ای
Fourth	چهارم - چهارمین
Fourth proportional	جزء چهارم تناسب
Fraction	کسر
Fractional	کسری
Fractional equation	معادله کسری
Fractional exponent	توان کسری - نمای کسری - قوه کسری
Fraction line	خط کسری
Fractional part	قسمت کسری - جزء کسری
Fragment	تکه - خرد - خرد کردن
Fragmentation	جزء جزء - تکه تکه
Frame	قاب - چهار رچوب - قاب کردن - چهار رچوب گرفتن

Free	آزاد
Freedom	آزادی
Freedom degree	درجه آزادی
Free variable	متغیر آزاد
Free vector	سودار آزاد
Frequency	تواتر - بسامد - حرکانس
Frequency distribution	توزیع تواتر
Frequency domain	دامنه تواتر
Frequent	مکرر
Frequently	مکرراً
Fresnel's integrals	انتگرالهای فرزنل
$\int_0^{\infty} \cos(t^2) dt = \sqrt{\frac{\pi}{8}}$	
$\int_0^{\infty} \sin(t^2) dt = \sqrt{\frac{\pi}{8}}$	
Friction	اصطکاک - مالش
Frictional	اصطکاکی - مالشی
Frictionless	بی اصطکاک - بی مالش
Front	پیش - جلو
Frontal	پیشی - جلوئی
Frontier	مرز
Frontier of a set	مرز مجموعه
Front line	خط جبهه - خط مقدم
Frustum of a cone	مخروط ناقص



Frustum of a pyramid



هرم ناقص



Fulfill	صدق کردن - برآوردن - تمام کردن - تکمیل کردن
Function	تابع
Function of two variables	تابع دو متغیره
Functional	تابعی
Functional analysis	آنالیز تابعی
Functional design	طرح تابعی
Functional determinant	دترمینان تابعی
Functional equations	معادلات تابعی
Functionary	تابعی
Function of a complex variable	تابع از یک متغیر مختلط
Function of a function	تابع یک تابع (تابع مرکب)
Function of bounded variation	تابع با تغییر محدود - تابع با تغییر کراندار
Functions of class C^n	توابع متعلق به طبقه C^n
Functions of class L^p	توابع متعلق به طبقه L^p - توابع از دسته L^p
Function of one real variable	تابع از یک متغیر حقیقی
Function space	فضای تابعی
Function table	جدول تابع
Function theory	نظریه تابع
Function value	مقدار تابع
Fundament	اساس - پایه - بنیاد
Fundamental	اساسی - بنیادی - اصلی
Fundamental determinant	دترمینان بنیادی
Fundamental equation	معادله بنیادی
Fundamental group	گروه اساسی
Fundamentally	اساساً
Fundamental operations	اعمال اصلی
Fundamental sequence	دنباله اساسی
Fundamental system of neighborhoods	دستگاه اصلی همسایگی ها
Fundamental theorem	قضیه اساسی - قضیه اصلی

Fundamental theorem of algebra	قضیه اساسی جبر
Fundamental theorem of arithmetic	قضیه اساسی حساب
Fundamental theorem of calculus	قضیه اساسی حساب دیفرانسیل و انتگرال
Fundamental trigonometric identities	اسعادهای اساسی مثلثاتی
Funicular	مربوط به کشش کابل یا ریسمان
Furlong	واحد اندازه گیری طول، تقریباً معادل ۲۰۱/۱۷ متر
Further	بعلاوه - بیشتر - دیگر
Furthermore	بعلاوه - ار این گذشته - وانگهی
Futhest	دورترین
Furthest	دورترین
Furthest point of a curve	دورترین نقطه
Future	یک منحنی
	آینده - آتی

G

Gap	رخنه - شکاف - درز
Gather	گرد آمدن - گرد آوردن
Gather up	جمع آوری کردن
Gauge	سنجیدن - اندازه گرفتن - مقیاس - معیار - پیمانانه - نمونه
Gauge length	طول نمونه
Gauss differential equation	معادله دیفرانسیل گوس
	$x(x-1)y'' + [(α+β+1)x-γ]y' + αβy = 0$
	α و β و γ پارامتر می باشد
Gauss hypergeometric differential equation	معادله دیفرانسیل فوق هندسی گوس
Gaussian	گوسی
Gaussian curvature	انحنای گوسی
Gaussian distribution	توزیع گوسی
Gaussian elimination	روش حذف گوسی
Gaussian integer	عدد صحیح گوسی
	(اعداد مختلطی بصورت $a+bi$ که در آن a و b اعداد صحیح هستند)
Gaussian plane	صفحه گوسی
Gaussian process	پروسه گوسی - روندگوسی
Gaussian sum	مجموع گوسی
Gauss-jordan process	روندگوس ژردان - فرآیندگوس ژردان - پروسه گوس ژردان
Gauss-type quadrature	تعیین مساحت زیر منحنی بروش گوس
G.C.D	علامت اختصاری بزرگترین مقسوم علیه مشترک
G.C.F	علامت اختصاری بزرگترین عامل یا فاکتور یا مقسوم علیه مشترک
General	کلی - عمومی - عام
General context	زمینه کلی
General fourier coefficient	ضرایب عمومی فوریه
Generality	عمومیت - کلیت
Generalization	تعمیم
Generalizations	کلتات
Generalize	تعمیم دادن - عمومیت دادن
G	هفتمین حرف الفبای انگلیسی
Gain	افزایش - بهر - فزونی - سود - بدست آوردن
Gal	گال - واحد شتاب برابر با یک سانتیمتر بر مجذور ثانیه
Galactic	کهکشانی
Galaxy	کهکشان
Gallon	گالن - واحد حجم برابر با $۳/۷۸۵۲$ لیتر
Game	بک دوره بازی - بازی
Game of chance	بازی شانسی - بازی تصادفی آمیز
Games	بازی ها
Game theory	نظریه بازی
Gamma	سومین حرف از حروف یونانی که با γ یا Γ (حرف بزرگ) نشان داده میشود.
Gamma function	تابع گاما
	$\Gamma(x) = \int_0^{\infty} e^{-t} t^{x-1} dt \quad (x > 0)$
Gamma integral	انتگرال گاما
	$\Gamma(x) = \int_0^{\infty} e^{-t} t^{x-1} dt \quad (x > 0)$
Gang	گروه - دسته

Generalized	تعمیم یافته - عمومیت داده شده
Generalized form	شکل تعمیم یافته - فرم کلی
Generalized function	تابع تعمیم یافته
Generalized volume	حجم تعمیم یافته
Generally	عموماً - "کلا" - بطور کلی
General mathematics	ریاضیات عمومی
General principle of convergence	قانون همگرایی کلی - اصل کلی تقارب
General setting	وضعیت عمومی
General solution	جواب عمومی
Generally speaking	بطور کلی - قطع نظر از جزئیات
General term	جمله عمومی - عبارت عمومی
General term of a series	جمله عمومی سلسله
General topology	توپولوژی عمومی
General theory of groups	نظریه عمومی گروه ها
Generate	تولید کردن - ایجاد کردن
Generated	پدید آمده - تولید شده
Generating	مولد - ایجاد کننده
Generating curve	منحنی مولد
Generating function	تابع مولد
Generating line	خط مولد
Generation	تولید - نسل - پیدایش
Generatrix	مولد - نقطه، خط یا سطحی که حرکت آن سبب ایجاد خط، سطح یا جسمی شود
Generator	مولد - تولید کننده
Generator of a surface of translation	مولد یک سطح انتقالی
Generic	کلی - عمومی - نوعی - جنسی
Genetics	علم تکوین - علم وراثت
Genus	جنس - رده - نوع
Geodesic(line)	کوتاه ترین خطی که بین دو نقطه در روی سطح رسم شود - خط ژئودزیک
Geodetic	مربوط به کوتاه ترین خط اتصالی
Geology	زمین شناسی
Geometer	هندسه دان
Geometric	هندسی
Geometrical	به روش هندسی - هندسی
Geometrical construction	ساختن هندسی

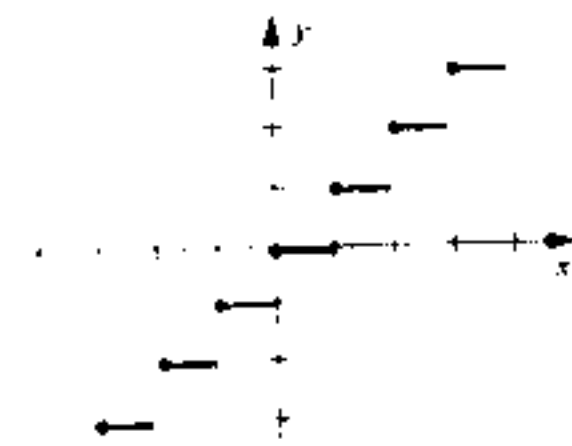
Geometrically	بطور هندسی
Geometrical progression	توالی هندسی
Geometrical representation	نمایش هندسی
Geometrical representation of a complex number	نمایش هندسی یک عدد مختلط



Geometric figure	شکل هندسی
Geometric interpretation	تعبیر هندسی
Geometric locus	مکان هندسی
Geometric mean	واسطه هندسی n عدد مثبت
	$\sqrt[n]{x_1 x_2 \dots x_n}$
	عبارتست از
Geometric relation	رابطه هندسی - نسبت هندسی
Geometric sequence and series	دنباله و سلسله هندسی
Geometric vector	برداری هندسی
Geometry	هندسه
Get	بدست آوردن
g.l.b	علامت اختصاری بزرگترین کرانه پایین
Gibb's phenomenon	پدیده گیب
Giga	یک بیلیون (10^9)
Given	داده شده - مفروض
Global	فراگیر - گروی
Global property	خاصیت عمومی (کلی)
Globe	گوی - کره
Globoid	گروی - گوی مانند
Globular	گروی - گوی مانند
Globule	گویچه - گلبول
Glossary	فهرست لغات
Golden ratio	نسبت طلایی
Gompertz curve	منحنی گومپرتز - منحنی نمایش تغییرات تابع
	$G(t) = ke^{(-Ae^{-Bt})}$
	که در آن A, k و B مقادیر مثبت ثابتی هستند.

Goniometer	زاویه سنج - وسیله‌ای برای اندازه‌گیری زاویه
Goodness	شانس
Googol	عدد یک با صد صفر جلوی آن (10^{100})
Govern	اداره کردن
Governing	حکومت
Governing laws	قوانین حاکم
Governor	تنظیم کننده
Grad	یکمدم زاویه، ماشه
Gradate	درجه بندی کردن
Gradation	درجه بندی
Graded	مدرج
Gradient	گرادیان - شیب - شیب‌دار
Gradient of a function	گرادیان تابع
Gradient of a straight line	ضریب زاویه، خط راست
Gradient vector	بردار گرادیان
	اگر: $\phi(x,y,z)$ تابعی اسکالر باشد، بردار گرادیان آن در نقطه (x,y,z) چنین خواهد بود:
	$\nabla\phi = \text{grad}\phi = \frac{\partial\phi}{\partial x} \vec{i} + \frac{\partial\phi}{\partial y} \vec{j} + \frac{\partial\phi}{\partial z} \vec{k}$
Grading	درجه بندی
Gradual	تدریجی
Graduate	مدرج کردن - درجه بندی کردن
Graduated	مدرج - درجه بندی شده
Graduation	درجه بندی - اعطای درجه
Gram	واحد وزن برابر یک هزارم کیلوگرم
Graph	نگار - نمودار - گراف - شکل - نمایش هندسی - ترسیم هندسی
Graphical	ترسیمی
Graphic method	روش ترسیمی
Graphics	علم ترسیم
Graphical solution	حل ترسیمی
Graph of a binary relation	نمودار یک رابطه دوتایی
Graph of a function	نمودار یک تابع
Graph of a correspondence	نمودار یک تناظر
Gravitate	گرانییدن - از فانون جاذبه پیروی کردن

Gravitation	ثقل
Gravitational	ثقلی
Gravitational attraction	جاذبه، ثقلی
Gravity	ثقل - گرانی - جاذبه زمین
Great	بزرگ
Great circle	دایره عظیمه
Greater	بزرگتر
Greater than	بزرگتر از
Greatest	بزرگترین
Greatest common divisor (g.c.d)	بزرگترین مقسوم علیه مشترک
Greatest common factor (g.c.f)	بزرگترین عامل مشترک
Greatest common measure	بزرگترین اندازه مشترک
Greatest element	بزرگترین عنصر
Greatest - integer function	تابع بزرگترین عدد صحیح - تابع جز صحیح



Greatest lower bound	بزرگترین کرانه پائین
Green's formulas	روابط گرین - دستورهای گرین
Greek alphabet	الفبای یونانی
Greatest member	بزرگترین عضو
Greatest possible error	بزرگترین خطای ممکن
Green's function	تابع گرین
Green's theorem	قضیه گرین
Gregory - Leibniz formula	فرمول گریگوری - لایب‌نیس

$$\text{arc tg } x = x - \frac{x^3}{3} + \frac{x^5}{5} - \dots + (-1)^{k-1} \frac{x^{2k-1}}{2k-1} + \dots \quad (-1 \leq x \leq 1)$$

که برای $x=1$ خواهیم داشت:

$$\frac{\pi}{4} = 1 - \frac{1}{3} + \frac{1}{5} - \frac{1}{7} + \dots$$

Grid	شبه
Groove	شیار - شیار کندن
Gross	دوازده دوجین - معادل ۱۴۴ عدد
Ground	زمین - زمین - اساس
Group	مجموعه: (G) با عمل دوتائی \otimes را یک گروه نامیم هرگاه خواص زیربازاء هر $a, b \in G$ و a برقرار باشند:
$(a \otimes b) \otimes c = a \otimes (b \otimes c)$	۱- خاصیت شرکت پذیری
$a \otimes e = e \otimes a = a$	۲- وجود عضو خنثی e
$a \otimes a^{-1} = a^{-1} \otimes a = e$	۳- وجود عضو معکوس $a^{-1} \in G$
Group axioms	اصول گروه
Grouping	دسته بندی - گروه بندی
Grouping terms	دسته بندی جملات
Groupoid	گروه وار
Group representation	نمایش گروه
Group theory	نظریه گروه ها
Grow	رشد کردن - نمو کردن
Growth	نمو - رشد
Gudermanian	گودرمانی - تابع گودرمانی
Guess	حدس - حدس زدن
Gyrate	دایره ای - دورا - دوران کردن
Gyration	زیراسیون - چرخش - دوران
Gyratory	دورانی
Gyre	گردش دایره ای - دوران
Gyro compass	قطب نما ی زیروسکوپی
Gyroidal	مارپیچی
Gyroscop	زیروسکوپ - گردش نما
Gyroscopic	چرخه نما یی - گردش نما یی

H

H	حرف هشتم الفبای انگلیسی -
H	علامت اختصاری ساعت با ارتفاع
Ha	احتمال برای هکتار
Hachure	ها شور - ها شورزدن
Hadamard's three-Circles theorem	قضیه سه دایره هادامارد
Hade	زاویه انحراف از قائم
Half	نیمه - نیم - نصف - پیشوندی به معنی نصف
Half-closed	نیم بسته
Half-infinite interval	فاصله نیمه نامتناهی
Half-life	نیمه عمر
Half-line	نیم خط
Half-open	نیم باز
Half-open interval	فاصله نیم باز
Half-plane	نیم صفحه
Half-space	نیم فضا
Halve	نصف کردن
Halved	نصف شده
Halving	نصف کردن

Hamilton-cayley theorem

قضیه هامیلتون - کیلی

Hamiltonian function

تابع هامیلتون

Ham sandwich theorem

قضیه ساندویچ هام

اگر $\{a_n\}$ $\{b_n\}$ $\{c_n\}$ دنباله‌هایی نامتناهیبوده بطوریکه اولاً "بازا" هر n $a_n < b_n < c_n$ و ثانياً $\lim_{n \rightarrow \infty} a_n = l = \lim_{n \rightarrow \infty} c_n$ آنگاه $\lim_{n \rightarrow \infty} b_n = l$

Hand

طرف - سمت - دست

Hankel function

تابع هنکل

Hankel transform

تبدیل هنکل

Happening

رویداد

Harmonic

همساز - هماهنگ - توافق - موزون

Harmonic conjugate

مزدوج توافق

Harmonic conjugates of two points

مزدوج‌های توافق دو نقطه

Harmonic division

تقسیم توافق

Harmonic division of a line

تقسیم توافق یک خط

Harmonic function

تابع همساز

Harmonic mean

واسطه توافق میانگین همساز

Harmonic motion

حرکت همساز - حرکت هماهنگ

Harmonic pencil

دسته خطوط توافق -

Harmonic progression

تفاضل توافق -

سما عددها (تفاضل عددی که جمله‌های آن

معموس جمله‌های یک تفاضل عددی باشد)

Harmonic range

رشته توافق - چهار نقطه

A و B و C و D که روی یک خط راست واقعند به شرط

$$AB \times DC = -AD \times CB$$

تشکیل یک رشته توافق می‌دهند.

Harmonic ratio

نسبت توافق

Harmonic series

سلسله توافق -

$$\sum_{k=1}^{\infty} \frac{1}{k}$$

سری توافق - سلسله توافق می‌نامند.

Harmony

نظایق - هماهنگی - همساز

Hatch

ها شورزدن - ها شور

Hatched

ها شورخورده

Hatching

ها شور



Hausdorff	هاسردورف
Hausdorff space	فضای هاسردورف
Haversine	توان دوم سینوس نصف قوس
	$\frac{1}{r} (1 - \cos \theta) = \frac{1}{r} 1 - (1 - r \sin^2 \frac{\theta}{r}) =$
	$\frac{1}{r} (r \sin^2 \frac{\theta}{r}) = \sin^2 \frac{\theta}{r}$
Hazardous	تصادفی - اتفاقی
Hazard	تصادف
Head	سر - نوک
Head line	سرمقاله - تیتر
Head or tail	شیر یا خط
Heat	گرما - حرارت
Heaviside unit function	تابع یکه، هوی ساید
	$H(t) = \begin{cases} 0 & t < 0 \\ \frac{1}{r} & t = 0 \\ 1 & t > 0 \end{cases}$
Hebrew number symblos	علائم عددی عبری
Hecta-Hectare	پیشوندی به معنی صدیادبرابر هکتار - واحد سطح برابر با 10^4 مترمربع
Hecto	پیشوندی به معنی صدیادبرابر
Hectohedron	صدوجهی
Height	ارتفاع - بلندی
Heighten	بلند کردن - بلندتر نمودن - ارتفاع دادن
Heine-Borel's theorem	قضیه هاینه - بول
Helical	حلزونی - مارپیچی
Helices	منحنی های فنری - منحنی های مارپیچی
Helicoid	سطح مارپیچی
Helicoidal	مارپیچی - فنری
Helix	منحنی فنری - منحنی مارپیچی
Hemi	پیشوندی به معنی نیم - نصف - نیمه
Hemicycle	نیم دایره - منحنی نیم دایره مانند
Hemisphere	نیم کره
Hemispherical	نیمکره
Hence	از این رو - بنابراین
Hendecagon	یازده گوشه - یازده ضلعی
Hept	هفت

Hepta	هفت
Heptad	هفت گانه - هفت تایی
Heptagon	هفت ضلعی - هفت گوشه
Heptagonal	هفت ضلعی - هفت گوشه
Heptahedral	هفت وجهی
Heptahedron	هفت وجهی
Hereditary	موروثی
Heritable	قابل توارث
Hermite differential equation	معادله دیفرانسیل هرمیت - معادله دیفرانسیل
	$y'' - 2xy' + 2vy = 0$
	که در آن v عددی است ثابت
Hermite polynomials	چندجمله ای های هرمیت
	$H_n(x) = (-1)^n e^{x^2} \frac{d^n}{dx^n} (e^{-x^2})$
Hermitian	هرمیتی
Hermitian matrix	ماتریس هرمیتی
Hermitian space	فضای هرمیتی
Hermitian transformation	تبدیل هرمیتی
Hermitian triangle	مثلث هرمیتی - مثلثی
	که کلیه اضلاع و مساحتش اعدادی گویا باشند.
Heron's formula	فرمول هرون
	$S = \sqrt{p(p-a)(p-b)(p-c)}$
	که در آن a, b, c اضلاع مثلث غیر مشخص
	ABC نصف محیط آن و S مساحت آن می باشد.
Heterogeneous	نا همگن - نامتجانس
Heuristic	راهگشا - راهنا
Hew	قطع کردن - شقه کردن - شقه
Hex	شش - شش تایی
Hexa	شش
Hexaangular	شش گوشه
Hexad	شش تایی
Hexagon	شش ضلعی - شش
Hexagonal	شش ضلعی - شش
Hexagonal prism	منشور - سدس القاعده
Hexagram	ستاره شش پر - شکل حاصل از ساختن مثلثهای متساوی الاضلاع بر روی هر یک از اضلاع یک شش ضلعی منتظم

Hexahedra شش وجهی
 Hexahedral شش وجهی گون
 Hexahedron شش وجهی
 High بلند - عالی
 Higher بلندتر - بالاتر
 Higher arithmetic حساب عالی
 Higher mathematics ریاضیات عالی
 Highest بالاترین - بلندترین - عالیترین
 Highest common factor سرگزترین عامل مشترک
 High-order درجه عالی
 Hilbert space فضای هیلبرت
 Hindu-arabic numerals ارقام هندو عربی
 شماره‌های از یک تا ۹ به علاوه صفر
 Hint راهنمایی
 Histogram نمودار ستونی
 Hodograph هودوگراف - شتاب نما
 Hold صدق کردن
 Holder condition شرط هولدر - تابع f روی مجموعه Ω در شرط هولدر صدق میکند، هر گاه اعداد ثابت k و α موجود باشند بطوریکه $0 < \alpha < 1$ و $|f(x) - f(y)| < k|x - y|^\alpha$ $x, y \in \Omega$
 Hölder's inequality نامساوی هولدر، اگر با α و β دسبالت‌های $\{a_n\}, \{b_n\}$ مجموع‌ها زیر

$$\sum_{n=1}^{\infty} |a_n|^p \cdot \sum_{n=1}^{\infty} |b_n|^q \geq \left(\sum_{n=1}^{\infty} |a_n b_n| \right)^p$$
 مساوی باشند، آنگاه

$$\sum_{n=1}^{\infty} |a_n b_n| < \left[\sum_{n=1}^{\infty} |a_n|^p \right]^{1/p} \left[\sum_{n=1}^{\infty} |b_n|^q \right]^{1/q}$$

 Hole حفره - سوراخ - چاله
 Holo پیشوندی بمعنی کامل - تمام - متشابه
 Holohedron حالت کریستالی - کاملاً متقارن
 Holomorphic هولومرف - تحلیلی
 Holomorphic continuation ادامه تحلیلی
 Holomorphic function تابع هولومرف
 تابع تحلیلی
 Homeomorphism همسانی
 Homeomorphic هم ساختمان - دوفضای E و F را همانسان گویند، هرگاه تناظری یک به یک و از دو طرف پیوسته بین آنها برقرار باشد.

Homo پیشوندی بمعنی همجنس - نظریه مانند
 Homocentric هم مرکز - متحدالمرکز
 Homogeneity تجانس - همگونی - همگنی
 Homogeneity property خاصیت همگنی
 Homogeneous متجانس - همگن - یکسواخت
 هموزن
 Homogeneous coordinates مختصات متجانس
 Homogeneous differential equation معادله دیفرانسیل همگنی
 معادله دیفرانسیل $y' = f(x, y)$ را همگنی گویند هرگاه $f(x, y)$ تابعی از $\frac{y}{x}$ باشد
 Homogeneous distribution توزیع همگنی
 Homogeneous equations معادلات همگنی
 Homogeneous expression عبارت همگنی
 Homogeneous function تابع همگنی
 Homogeneous integral equation معادلات انتگرالی همگنی
 Homogeneous polynomial چندجمله‌ای همگنی
 Homogeneous property خاصیت همگنی
 Homogeneous system دستگاه همگنی
 دستگاه متجانس
 Homogeneous transformation تبدیل همگنی
 Homography همنگاری
 Homologous همانند - متشابه
 Homologous elements عناصر نظیر
 Homology همسانی - مشابهت - تناظر یک به یک
 Homomorphic همان - هم ساختمان
 Homomorphic image تصویر همان
 Homomorphism همسانی - هم ساختمانی
 Homomorphism of fields همومورفیسم هشت‌ها
 همسانی هشت‌ها - همسانی میدانها
 Homomorphism of groups همومورفیسم گروه‌ها
 Homomorphism of rings همومورفیسم حلقه‌ها
 همسانی حلقه‌ها
 Homomorphy همسانی - هم ساختمانی
 Homothetic متجانس

Homothety تجانس
 Homotopic هموتوپیک - هم مکان
 Homotopic paths مسیرهای هم مکان
 Homotopy هم مکانی - هموتویی
 Hook's law قانون هوک - اگر یک فنر را بعیزان $F = -kx$ از طرف فنر x تغییر طول دهیم نیروی F از طرف فنر برعکس عمل می‌شود.

Horizon افق - خط افق - سطح افق
 Horizontal افقی - ترازی
 Horizontal axis محور افقی
 Horizontal base پایه افقی
 Horizontal direction جهت افقی
 Horizontal line خط افقی
 Horizontal projection تصویر افقی
 Horner's method روش هورنر

However با این وجود، بهر حال، معینا
 Hub مرکز

Hull پوست، پوسته - اسکلت کشنی
 Hundred عدد - ۱۰۰

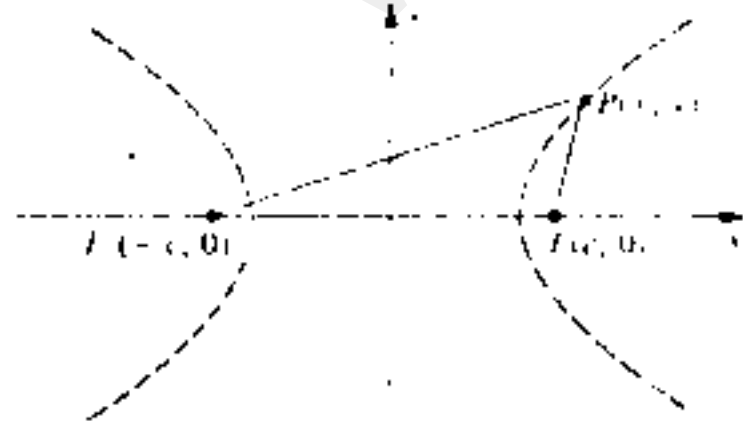
Hundreds صدگان - مریبه صدگان - مدها
 Huygens' formula رابطه، هویگنس

Hybrid هیبرید
 Hydraulics علم حرکت مایعات

Hydrodynamic مربوط به علم الفوای مایعات
 هیدرودینامیک

Hyper فوق - فراتر - بالاتر - ابر
 Hyperbola هذلولی - مکان هندسی نقاطی از

منحنی که فواصل موازی آنها از دو نقطه ثابت از معده بنام کانون مقدار ثابت مثبتی باشد



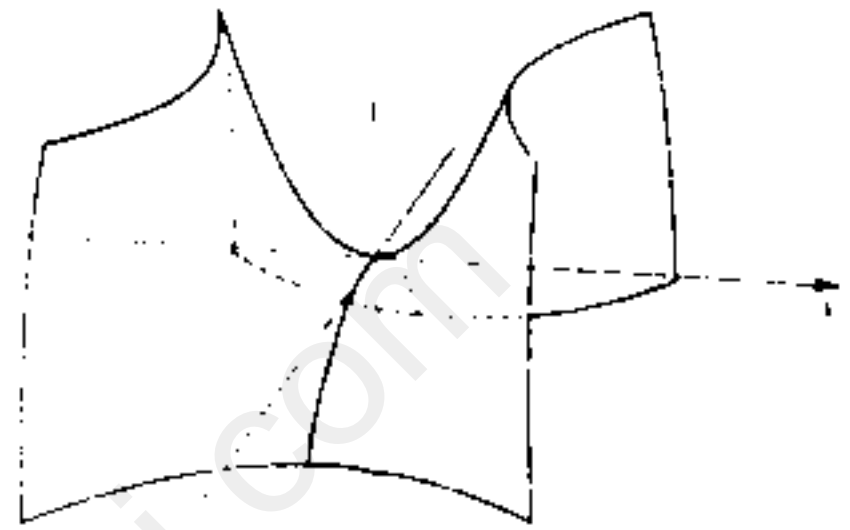
Hyperbolic cosine کسینوس هذلولی
 کسینوس هیپربولیک

$$\cos h x = \frac{e^x + e^{-x}}{2}$$

Hyperbolic cotangent کتا نژانت هذلولوی
 کتا نژانت هیپربولیک

$$\cotg h x = \frac{e^x + e^{-x}}{e^x - e^{-x}}$$

Hyperbolic cylinder استوانه هذلولوی
 Hyperbolic function تابع هذلولوی
 Hyperbolic paraboloid سهمی کون هذلولوی



Hyperbolic partial differential equation معادله دیفرانسیل جزئی هذلولوی

Hyperbolic point of a surface نقطه ای از سطح که انحنا ی گوسی سطح در آن نقطه منفی است. نقطه هیپربولیک یک سطح

Hyperbolic sine سینوس هذلولوی - سینوس هیپربولیک

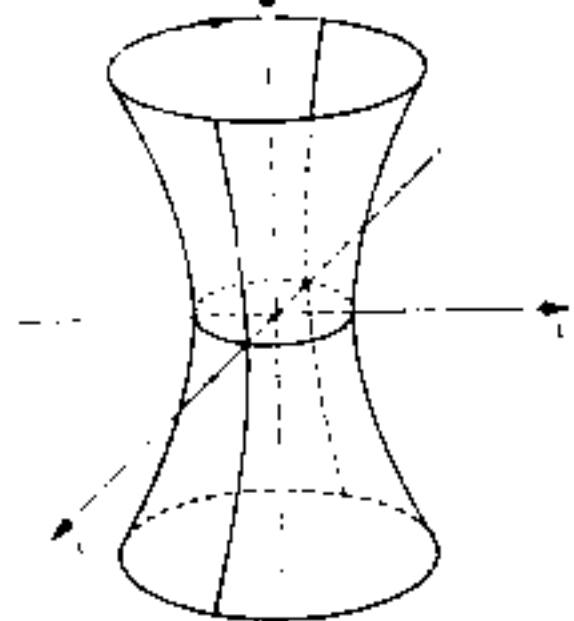
$$\sin h x = \frac{e^x - e^{-x}}{2}$$

Hyperbolic spiral مارپیچ هذلولوی
 Hyperbolic tangent تانژانت هذلولوی

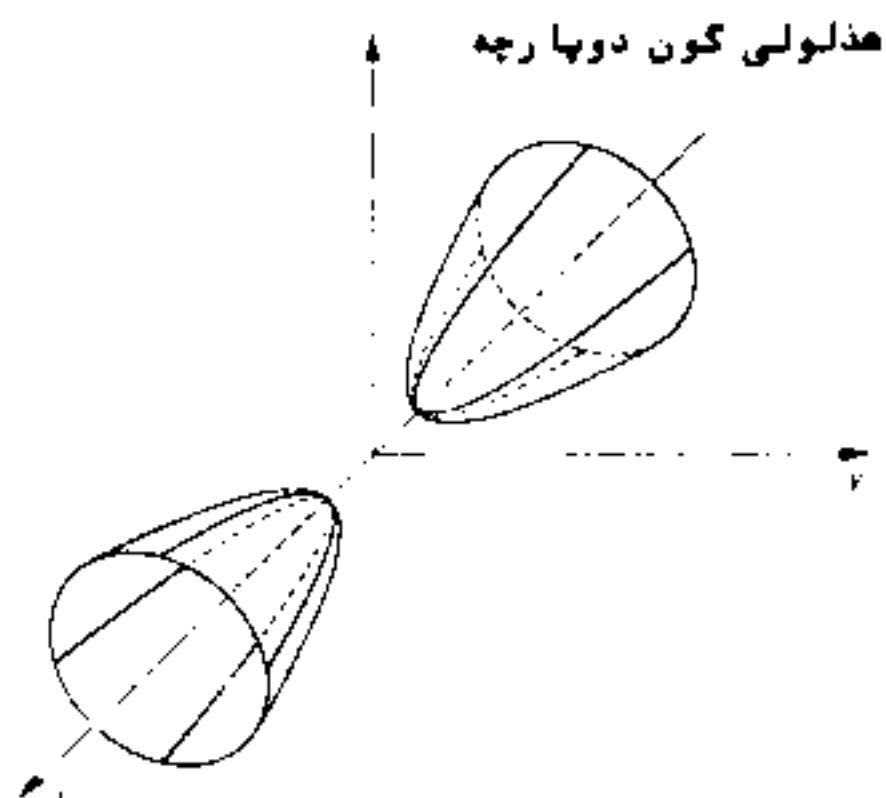
$$\tg h x = \frac{e^x - e^{-x}}{e^x + e^{-x}}$$
 تانژانت هیپربولیک

Hyperbolic trigonometry مثلثات هذلولوی
 Hyperboloid هذلولی کون

Hyperboloid of one sheet هذلولی کون یکپارچه



Hyperboloid of two sheets



هذلولی گون دوپا رچه

Hypercomplex numbers

اعداد فوق مختلط

$$a+bi+cj+dk$$

اعدادی بمورت

با جمع عضویه عضو وضرب با قاعده:

$$i^2=j^2=k^2=-1$$

$$ij=-ji=k, jk=-kj=i, ki=-ik=j$$

Hypercube

ابر مکعب - فوق مکعب

Hypergeometric

فوق هندسی

Hypergeometric - differential equation

معادله دیفرانسیل فوق هندسی

Hypergeometric function

تابع فوق هندسی

Hypergeometric series

سری فوق هندسی

Hypergeomtry

فوق هندسه

Hyperplane

ابر صفحه

Hyperspace

ابر صفحه

Hypersphere

ابر کره - فوق کره

Hypersurface

ابر سطح - ابر رویه - فوق سطح

Hypervolume

ابر حجم

Hyphen

خط فاصله (-)

Hypo

تحت - زیر - کمتر از حد معمول

Hypocenter

نقطه‌ای بر روی سطح زمین که درست زیر

مرکز انفجار بمب اتمی واقع شده است

Hypocycloid

درون چرخز د - هیپوسیکلوئید - مسیر

نقطه‌ای روی یک دایره وقتی که این دایره درون

دایره دیگری می‌غلتد

Hypotenuse

وتر مثلث قائم الزاویه

Hypothesis (در ترکیب شرطی) فرض - مقدم

Hypothetic

فرضی

Hypothetical

فرضی

Hypotrochoid

هیپوتروکوئید - مسیر نقطه‌ای

روی شمع یا امتداد شمع یک دایره (ونه واقع

بر محیط آن) وقتی که این دایره درون دایره

دیگری می‌غلتد